میکرو فیلم تهیه شد
۱ - /۵۱/ ۱۳۸۶
آستان قدس
کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی

نام کتاب: جنگ — کاغذ آهاری نخودی جلد تیماج زرشکی

مؤلف متن: شاه خرشید — محشی:

شارح: — مترجم:

تاریخ تحریر: سه شنبه ۸ ذیقعده ۱۳۳۲ — نوع خط: شیهر نسخ — تعداد سطر: مختلف

جزء کتب: ادعیه — زبان: فارسی — عدد اوراق: ۱۰۰

طول: — عرض: — شماره عمومی: ۲۴۱۳۵

وقفی / خریداری: آستان قدس — تاریخ — وقف / خریداری: خرداد ۱۳۲۷

ملاحظات:

۱۱۰

۳۲

ع جلد تازه شد
در ۳ قران نیم لقغز ۱۳۲۳

۱۸۱

ا ـ ب

۵

في الصافي في آية الشريفة في سورة البقرة
الذين اذا اصابتهم مصيبة في الحديث
كل شيء يؤذي المؤمن فهو له مصيبة ۵

۲

اللهم العن اربعا واربعة
لعنت خداوند بر جمله ملعون و ملعونتهم

از جهت قضاء حوائج و دوا سازی کارها متوسل بحضرت شاه اولیا شوند و صبح و شام دوازده مرتبه این کلمات را بخوانند نافع است

یا علی یا ایلیا یا ابا الحسن یا ابا تراب
حل مشکل سر کرد دین شافع یوم الحساب

همین مگو ما را بران در بار نیست   با کریمان کارها دشوار نیست

ای برادر مهربان بگدائی و تضرع از او چیز بخواه زیرا که
داد او را قابلیت شرط نیست

اگر توبه شکستی باز آ   این درگه حق درگه نومیدی نیست

باز آ باز آ هر آنچه هستی باز آ
گر کافر و گبر و بت پرستی باز آ
این درگه ما درگه نومیدی نیست
صد بار اگر توبه شکستی باز آ

این آیه شریفه را که حضرت آدم عرض نمود که الهی نمود
بسیار بخوان ربنا ظلمنا انفسنا وان لم تغفر لنا
وترحمنا لنكونن من الخاسرين باعث مغفرت است
اللهم صل على محمد وآل محمد وعجل فرجهم
والعن على اعدائهم اجمعين

بسم الله الرحمن الرحيم

در كتاب مواعظ اثنا عشريه از اعلیحضرت اقدس
نبوی صلی الله علیه واله روایت شده که بعضی
اصحاب از ان اعلیجناب سؤال نمودند از
تفسیر فرمایش حضرت خداوند تعالی شانه
له مقالید السموات والارض حضرت فرمودند
سؤال کردی از من از شیء عظیمیکه غیر از
تو کسی نپرسیده است آن مقالید
اینست هر کس بخواند انها را ده مرتبه صبح
و ده مرتبه شام عطا شود شش خصلت
اولش انکه بدارد خداوند او را از شر ابلیس
و لشکرش دوم عطا فرماید باو قنطار از ثواب
که در میزان عملش از کوه احد سنگین تر باشد
سیوم حضرت بعدد رکات رحمت نماید باو
درجه ابرار [illegible] تزویج فرماید باو حور العین
پنجم دوازده ملک بنویسند انها را در
رق منشور

با مقالید

رق منشور و شهادت دهند برایش روز
قیامت ششم چنانست که خوانده باشد چهار
کتاب صحف و توراة و انجیل و زبور
و نوشته شود برایش ثواب حج و عمرهٔ مقبوله
و اگر در انروز یا شب یا ماه بمیرد در زمرهٔ
شهدا محسوب شود آن مقالید شریفه اینست
لا اله الا الله والله اکبر وسبحان الله
والحمد لله واستغفر الله ولا حول ولا
قوة الا بالله العلی العظیم هو الاول والاخر
والظاهر والباطن له الملک وله الحمد
یحیی ویمیت وهو حی لا یموت بیده
الخیر وهو علی کل شیء قدیر تمام شد
از دو ورق اخر الکتاب مستطاب الجهة ذخیرة
یوم الحساب تحریر شد فی ۲۲ شهر
ربیع المولود فی سنه ۱۳۲۲

[illegible]

دعاء سريع الاجابة

في الكافي في باب الدعاء عن معاوية بن عمار
قال قال لي ابو عبد الله عليه السلام ابتداء منه
يا معوية اما علمت ان رجلا اتى امير المؤمنين ع
فشكى اليه الابطاء في الجواب في دعائه فقال له اين انت
عن الدعاء السريع الاجابة فقال له ما هو قال
عليه السلام قل اللهم اني اسئلك باسمك
العظيم الاعظم الاجل الاكرم المخزون المكنون النور
الحق البرهان المبين الذي هو نور مع نور ونور
من نور ونور في نور ونور على نور ونور فوق كل نور
ونور يضيء به كل ظلمة ويكسر به كل شدة وكل
شيطان مريد وكل جبار عنيد لا يقر به ارض ولا
يقوم به سماء ويامن به كل خائف ويبطل به سحر
كل ساحر وبغي كل باغ وحسد كل حاسد و
يتصدع لعظمته البر والبحر ويستقل به الفلك حين
يتكلم به الملك فلا يكون للموج عليه سبيل وهو اسمك
الاعظم الاعظم الاجل الاجل النور الاكبر الذي سميت به
نفسك واستويت به على عرشك واتوجه اليك بمحمد واهل بيته
اسئلك بك وبهم ان تصلي على محمد وال محمد وان تفعل بي كذا وكذا
پس هر حاجت داری از خداوند تعالی بطلب که روا شود ان شاء الله

دعاء حفظ

منقول است که هر گاه مدت هفت روز وقت
صبح هفت مرتبه این دعا را بخوانند قوه حافظه
زیاد کردد اللهم نور بكتابك
بصري واشرح به صدري
واطلق به لساني وافرح به
قلبي واستعمل به ذكري
واكرم قلبي بحفظ كتابك
فانه لا حول ولا قوة
الا بالله العلي العظيم و
صلى الله على خير خلقه محمد
واله اجمعين تمام شد

بسم الله الرحمن الرحیم بدانکه روح عبادت
و طاعت و دعا و ذکر و مناجات حضور قلب است
و مراد بآن فارغ داشتن دل است از غیر خداوند
و نگهداری قلب است از یاد و فکر غیر او و در کار
و مشغول بودن دل است بمعانی آنچه بر زبان
جاری شود و زبان و دل موافق باشند
با آنچه میخوانند مثلا لا اله الا الله که میگوید
بداند که هیچکس نیست که مستحق عبادت باشد
بجز خداوند یکتا بی همتا جل جلاله و الله
اکبر که میگوید بداند که هیچ کس نمیتواند
مدح و ثناء و صفات کمالیه و جلالیه و جمالیه
او را بیان نماید ما نتوانیم حق حمد تو
گفتن * با همه کروبیان عالم بالا و
بداند که هر چه مشیت و اراده حضرت الهیه جل جلاله
باشد واقع و حادث میشود و الحمد که حضرت حق
موجود خواهد شد و در هنگام کلمه شریفه استرجاع ملتفت
شود که اصل خلقت در دنیا برای رفتن بسوی آخرت است نه
بودن در دنیا که کل نفس ذائقة الموت و الحمد خداوند مهربان
از نعم کثیره موهبت فرموده متذکر شود که باقی است
برای شما آنچه راضی خواهد شد با آنچه از دستش رفته است
و باید نهایت تضرع و التماس نماید که با درحمت شود

چه خوش گفت پیری بمن در جوانی
نه ای باخبر از بزرگ نهانی
اگر لذت ترک لذت بدانی
دگر لذت نفس لذت نخوانی

سبب دیدم خوبان بدانیم
داغ دیدن خوبان ...

دنیا گرت بکام است
تا بنگری تمام است

حافظ
تا کی غم دنیای دنی ای دل دانا
حیف است ز خوبی که شود عاشق زشتی

برسه مغز بادام بنویسند بهر تب تا سه روز
تحصیل شود انشاءالله تعالی تب و لرز برطرف شود

یا سوما طاسوما طاسوما

علی علی علی
علی علی علی

بسم الله الرحمن الرحیم

هر چند نیستیم سزاوار بخشش
ما را با آستانه دار الفقرا رسان

دوای دندان
قرنفل که بعاری میخک تامنده با بند
نرم نموده بر دندان موقوف بریزند
در دندان ساکن نماید کرم خورده باشد
فلفل ابریشم را نصف نموده بران گذارند
ساکن نمایند

تا عشق بدین کتاب داریم بسی
معشوقه جان ماست در هر نفسی
گویند بعاریت بده تا خوانیم
معشوقه بعاریت نداده است کسی

معشوقه بود کتاب صاحب نظران
زان چشم بود همیشه بروی نگران
گر من ندهم کتاب تو رنجه مباش
معشوقه توان دید بدست دگران

ألا یا مستعیر الکتب عنی فان اعارتی
فی الکتب عار فمحبوبی من الدنیا کتاب

رباعی

بکوش تا بکف آری کلید گنج هنر | که بی طلب نتوان یافت گوهر مقصود
براستان ارادت که سر نهاد شبی | که لطف دوست بروی نشد در بهجت نگشود

از شیخ عطار در کشکول نقل فرموده

لک برخوان خدایان میخوری | وین همه فرمان شیطان میبری
دیو تا زره برد لاحول نیست | در مسلمانی بجز تولیت نیست
رهروان رفتند و تو درماندهٔ | حلقه بر در زن که بس واماندهٔ
گر نداری شادی از وصل یار | خیز باری ماتم هجران بدار
لب سرا و باغ تو زندان تو | خان و مان تو بلای جان تو
در غم دنیا گرفتار آمدی | خاک بر فرقت که مردار آمدی
از قدم تا فرق نعمتهای اوست | عرض کن بر خویش نعمتهای دوست
تا بدانی که گرچه دور افتادهٔ | در جدائی چه صبور افتادهٔ
رئیس سیدا [illegible] عشق بنیه رند و باش | دیده و دل ز [illegible] از خراب [illegible] باش
گر تو مرد زاهد شب زندهٔ | بنده کی گردی تا بروز و بنده
ور تو مرد عاشقی رو شرم دار | خواب را با دیدهٔ عاشق چه کار

عاشقان را خواب خوش شد حرام | عین احباب لک المحبان لا ینام

بدانکه این دعاء توسل بچهارده معصوم است در وقت حاجات بخوانند

أَعُوذُ بِاللهِ مِنَ الشَّيطانِ الرَّجيم

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمنِ الرَّحيم

اللّهُمَّ صَلِّ عَلَى المُصْطَفى مُحَمَّدٍ

وَالمُرْتَضى عَلِيٍّ وَالبَتُولِ فاطِمَةَ

وَالسِّبْطَيْنِ الإمامَيْنِ الحَسَنِ وَ

الحُسَيْنِ وَصَلِّ عَلى زَيْنِ العِبادِ عَلِيٍّ

وَالباقِرِ مُحَمَّدٍ وَالصّادِقِ جَعْفَرٍ

وَالكاظِمِ مُوسى وَالرِّضا عَلِيٍّ وَ

التَّقِيِّ مُحَمَّدٍ وَالنَّقِيِّ عَلِيٍّ وَالزَّكِيِّ العَسْكَرِيِّ

الحَسَنِ وَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ المَهْدِيِّ صاحِبِ

7

صاحِبِ الأَمْرِ وَالعَصْرِ وَالزَّمانِ

وَخَليفَةِ الرَّحْمنِ وَقاطِعِ البُرْهانِ

وَإمامِ الإنْسِ وَالجانِّ صَلَواتُ

اللهِ وَسَلامُهُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ أَجْمَعين

وبعد ازان صد مرتبه بگوید

يا فارِسَ الحِجازِ أَدْرِكْني

یعنی ای سوار حجاز مرا دریاب که بفریادم برس

پس از خواندن حاجت بخواهند

روا شود از مرحوم میر علاء الدین

گلستانه اصفهانی ره در رساله شرح

اسماء الحسنی در توسل بائمه هدی خاصه

بامام عصر در همه اوقات خاصه در یوم و لیله جمعه

و اوقات مخصوصه بالحضرت بخوانند تمت

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین وصلی الله علی سیدنا
ونبینا محمد وآله الطاهرین المعصومین
ولعنة الله علی اعدائهم اجمعین وبعد
بدانکه این کتاب مجموعه ایست در
بیان فضیلت قیام لیل وفوائد نماز
شب از آیات کریمه واخبار معتبره
اسئل الله التوفیق لاتمامه بمنه وجوده
نیز در مذهب اهل البیت که آن طریقه امامیه
واثنی عشریه نیز گویند در شبانه روزی
پنجاه ویک رکعت نماز گذارند از روایت
یومیه وآن منقسم میگردد بسه قسم مساوی

هفده رکعت از آن فریضه است که از روی نص واجماع
متفق علیها است وهفده رکعت سنت است که
در سفر ساقط میشود وآن هشت رکعت نماز نافله
پیشین وهشت رکعت نماز دیگر ویک رکعت نماز وتیره
است وهفده رکعت دیگر نافله است که هم در سفر
وهم در حضر باید گذارد وآن چهار رکعت نافله
مغرب بود ویازده رکعت نماز شب ودو رکعت نافله
بامداد است وهرچند مجموع نوافل نهاریه ولیلیه را
در این مذهب هم سنت وهم نافله وهم مستحب گویند
اما چون نماز شب تاکید زیاده است جهة فضیلت
آن وانصراف اطلاق بکامل مشهور شد بنافله چه این
نماز بر حضرت رسول صلی الله علیه واجب بوده بدلیل
قول حقتعالی که میفرماید ومن اللیل فتهجد به نافلة
یعنی بعض از شب را بیدار باش برای خواندن قران

یعنی گذاردن نماز در حالتیکه آن نماز نافله باشد و زیاده بر نماز
فریضه باشد برای تو و از این حالت که این نماز را تهجد
گویند و هر چه نماز شب است چون از زیاده و در تر است
هر آینه خدا نزدیک تر است و چون مشقت و کلفت
دران بیشتر است لاجرم ثواب و خواصیت آن زیاده از
نوافل دیگر است و از جمله خواص این نماز آنست که صاحبش
در روز از بلاها و آفتها ایمن باشد و صحت نفس و بدن
و روشنائی چشم او را حاصل گردد چنانکه حضرت رسول ص
فرموده است عَلَیکُم بِقِیامِ اللَّیلِ فَاِنَّهُ دَأبُ الصّالِحینَ
قَبلَکُم وَاِنَّ قِیامَ اللَّیلِ قُربَةٌ اِلَی اللهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ
تَکفیرٌ لِلسَّیِّئاتِ وَمِنهاةٌ مِنَ الاِثمِ وَمَطرَدَةٌ
لِلدّاءِ عَنِ الجَسَدِ یعنی بر شما باد که بنماز شب برخیزید
از برای آنکه قیام شب وظیفه صلحای است که پیش از شما
بوده اند از انبیاء و امم هر عصری و بدرستیکه در شب خیزی
قربت حضرت عزت عز شانه پیدا آید و کفاره گناهان
بنده

بنده گردد و مؤمن را از گناه کردن باز دارد و دردها را
از بدن باز دارد دیگر از خواص این آنست که روز را
بر گذارنده نماز شب کشاده گرداند چنانکه حضرت امیر مؤمنان
فرموده است عَجِبتُ لِمَن یَقومُ بِاللَّیلِ وَیَجوعُ بِالنَّهارِ
یعنی عجب دارم از کسیکه در شب نماز گذارد و در روز گرسنه
ماند دیگر سیما در روی قائم اللیل پیدا بود چنانکه هر کس
او را ببیند انوار اهل طاعت از دیدار او مشاهده کند
و عظمت و شوکت و احترام او در قلوب انام پیدا شود
چنانکه رسول خدا ص فرموده است مَن کَثُرَت صَلوتُهُ بِاللَّیلِ
حَسُنَ وَجهُهُ بِالنَّهارِ یعنی هر کس بسیار کرد نماز او در شب
با جمال گردد روی او در روز دیگر از خواص این نماز است
که واقعات نیکو دیده شود و عطوفت و رحم و شفقت در
دل پیدا آرد و صاحب قیام لیل درویش و محتاج نگردد
و فرزند صالح حضرت وهاب کرامت کند مانند یحیی و زکریا
و مال اهلش از حوادث ایام در امان باشد و هر گز بستگی و

فرو ماند کی در کار او نیاید چنانکه در حدیث وارد شده که صلوة
اللیل نور فی القلب و نور فی القبر و برکة فی الرزق و حفظ
للاموال و فتح للامور یعنی نماز شب نور است در دل و نور است
در قبر و برکت است در روزی و حفظ در مالها و فتح و گشایش
است برای کارها دیگر معارف حقایق الهی و علوم اسرار نامتناهی
بر او کشف گردد و حدت طبع و قوت ذهن و جلای سر و صفای
خاطر روزی نماید چنانکه حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرموده است که
من اخلص لله تعالی اربعین صباحا ظهرت ینابیع
الحکمة من قلبه علی لسانه یعنی هر کس که اخلاص بورزد
از برای خداوند چهل روز ظاهر بشود چشمهای حکمت از دل
او بر زبان او دیگر بوقت مرگ جان کندن بر وی آسان
باشد و جواب منکر و نکیر با شما بگوید و در قیامت از فزع اکبر
ایمن باشد چنانکه رسول خدا ص فرموده است من صلی
رکعتین فی جوف اللیل امنه الله تعالی من الفزع الاکبر
یعنی هر کس نماز گذارد دو رکعت در دل شب ایمن گرداند خداوند

اورا

اورا از ترس بزرگ و عافیت در بهشت و مقام محمود بیابد و لقا
و رضای حقتعالی حاصل کند حقتعالی فرموده است عسی ان
یبعثک ربک مقاما محمودا یعنی نماز شب بگذار شاید که برساند
ترا پروردگار تو بمرتبه و مقام ستوده شده دیگر روایت است از
امام شهید خلف سعید ابو عبدالله الحسین بن علی علیهما السلام که فرمود
نماز شب روی را نیکو گرداند و خوی را نیکو گرداند و بوی دهن را
خوش کند و روزی را بسیار کند و وام و قرض را بگذارد و غم
و اندوه را ببرد و دیده را روشن کند و شرف و عزت مؤمنان
هم در دنیا و هم در عقبی مرتب بر قیام شب چنانکه حضرت رسول ص
فرموده است شرف المؤمن قیامه باللیل و عزه
استغناؤه عن الناس یعنی شرف و بزرگی مؤمن برخواستن
اوست بعبادت و نماز در شب و عزت مؤمن استغنای
اوست از مردمان و سنت حق تعالی بدان جاری شده که هر کس را
مرتبه و منزلتی کرامت فرماید بازای قیام بران و لاجرم حضرت
حکیم حمید در طی کلام مجید چند موضع بچندین صفات

متنوع ستایش و ثنای طوایف سحرخیزان و شب بیداران میکند و
ترغیب و تحریض مؤمنان و متقیان بر قیام میفرماید از آن جمله فرموده
تتجافی جنوبهم عن المضاجع یدعون ربهم خوفا و طمعا
و مما رزقناهم ینفقون یعنی دور میشود پهلوی ایشان از خوابگاهها
ایشان دعا میکنند و میخوانند پروردگار خود را از روی ترس و امید
و از آنچه روزی کرده ایم ایشان را صرف و خرج میکنند دیگر کانوا
قلیلا من اللیل ما یهجعون یعنی بودند ایشان که اندکی از شب
بخواب میرفتند و دیگر و بالاسحار هم یستغفرون یعنی در سحرها
ایشان استغفار و طلب آمرزش میکنند دیگر امن هو قانت
آناء اللیل ساجدا و قائما یحذر الآخرة و یرجو رحمة
ربه یعنی آیا این بهتر است یا آنکسیکه عبادت کننده است در ساعتهای
شب در حالتیکه سجده کنند و بر پا ایستاده است حذر میکند و میترسد
از عذاب آخرت و امید میدارد رحمت پروردگار خود را و اشرف
خطاب در این باب آنستکه حضرت رب الارباب بحبیب خود میگوید
یا ایها المزمل قم اللیل الا قلیلا یعنی ای جامه بر خود پیچیده برخیز در شب

برای نماز

11

برای نماز مگر اندک زمانی و جای دیگر میفرماید و من اللیل فاسجد له
و سبحه لیلا طویلا یعنی در بعضی از شب پس سجده کن برای او و بپاکی یاد
کن او را در شب دراز هر چند در این دو موضع شریف خطاب خاص بحضرت
حبیب است اما خاصان امت را بل هر فردی از افراد عامه را در آن
نصیب است بدلیل جلیل و طائفة من الذین معک یعنی و طائفه
و جمعی از جمله جماعتیکه با تو هستند و بعضی از مفسران باقیات صالحات
را بنماز شب تفسیر کرده اند و غیر از اینان که در موضع دیگر قرآن
ناطق است بذکر فضیلت قیام شب و اخبار و احادیث در این باب
بسیار وارد گشته اما در این مختصر از اینها اندکی بیش یاد نتوان کرد
روایت است که روزی در مجلس مبارک حضرت رسالت پناه صلعم ذکر
خیر یکی از اصحاب میرفت حضرت رسالت پناه صلعم فرمود که نعم
الرجل هو لو کان یصلی باللیل یعنی نیکو مردی باشد اگر
نماز شب را بپا دارد به بین که حضرت رسول صلعم نیکوئی مرد را منحصر
در ادای نماز شب داشته نادان کسیکه غیر این پنداشته غافل در شب

دنیا بذر عقبی کاشته و در روز جزا بر آن بهره برداشته و از کنوز خفیه
در موز سریه این عالم یکی نماز شب است هر که بر اتساع برکات
آن اطلاع یافته در اخفاء آن کوشیده برای آن غبطه برد شعر
و من طلب العلی سهر اللیالی کلامی است که مرویست از حضرت
امیر المؤمنین ع یعنی کسیکه طلب کرد مرتبه بلند را بیداری میکشد در شبها
شعر احمد ص که رخ میکند از بنده پیام   شب گیر و نماز و
روز میدان صیام   چون یافت هر انچه یافت در شب ز قیام
صلوا باللیل کهف و الناس نیام   یعنی نماز گذارید در شب
و حال آنکه مردمان در خواب باشند دیگر در حدیث قدسی
آمده که کذب من زعم انه یحبنی فاذا جنه اللیل
نام عنی الیس کل محب یحب خلوة حبیبه
یعنی دروغ گفته است کسیکه دوست میدارد مرا دعوی چون فرود
میگیرد او را شب بخواب میرود و از یاد من غافل میشود آیا
نیست هر کسیکه دوست میدارد دیگری را خواهش دارد باینکه با
دوست خود خلوت کند و با او راز گوید شعر هر کس خواهد وصال اغماه را تمام
بیدار

بیدار بود بر در او شب تا بام   بر دیده عاشقان بود خواب حرام
تا چهره معشوق نه بینند بکام   دیگر روایت است از حضرت امام انام
مخزن اسرار خالق منبع انوار حقایق مشرع انهار دقایق جعفر بن
محمد الصادق علیه السلام که فرموده اند که از شیعه ما نباشد که نماز
شب را از دست گذارد پس چون حضرت امام ع نماز شب را دلیل محبت
و معرفت اهل بیت ع ائمه معصومین و علامت نسبت تشیع
میدارد و نشان متابعت و برهان موالات میشمارد و تارک
این نماز را دعوی محبت ایشان نباید کرد یا خود را بوسیله اداء
آن بر فتراک دولت محبت این خاندان بست و خود را در سلک خدام
ذوی الاحترام ایشان منسلک گشت و نکته در آنکه نماز شب
بقبول حضرت رب اقرب است و فیض فتوحی که بر آن مترتب
میشود اطیب است آنستکه شب دلیل وحدت است و روز
قرین کثرت و در وحدت نفی خاطر که روح عبادت است حضور
بر دلت دهد آری ع نیاز نیم شبی دفع صد بلا بکند
و لا صلوة الا بحضور القلب و لا قبول الا للصلوة الحضور

در منافع نماز شب و تقدم آن بر روز
یعنی نماز نیست مگر بحضور قلب و متوجه شدن دل و قبول شدن
نیست مگر با نمازیکه با حضور قلب باشد دیگر آنکه شب بر روز مقدم
است بتقدم ذاتی و زمانی چه شب اصل است و روز فرع و اصل
بر فرع مقدم است و ازینجا که در اکثر آیات قرانی هر جا ذکر شب
و روز با هم است لیل بر نهار مقدم است پس عبادت در ازمنه
اصلیه مقبول تر خواهد بود از آنکه در ازمنه فرعیه خصوصا ساعت
آخر شب که بحکم روایت و درایت از بیست و چهار ساعت شبانه روزی
بهتر است و ادراک ذوق طاعت و لذت قبول عبادت حواله
سحر خوانست   مرغ شب خوان را بشارت ده که اندر راه عشق
دوست را با ناله شبهای بیداران خوش است دیگر آنکه
شب خدا راست و روز خلق را در شب همه کار و بار الهی و در
روز اکثر خلایق بلاهی وما هذه الحیوة الدنیا الا لهو و
لعب وان الدار الآخرة لهی الحیوان لو کانوا یعلمون
نیست این زندگانی دنیا مگر لهو و بازیچه و بدرستیکه زندگانی
دنیا سرای آخرت هر آینه آنست زندگانی اگر ایشان بدانند
سیاهی مگر براقی نور ذات است   بتاریکی درون آب حیات است
چه میگویم

چه میگویم که هست این سر باریک   شب روشن میان روز تاریک
دار ازینجا است که شب واقع شده نزول قران و اصطفای پیغمبران
از ابراهیم خلیل الرحمن علی نبینا و آله و علیه السلام تا موسی بن عمران
خصوصا معراج سرور سروران و خاتم پیغمبران و بذکر جمله ناطق
است قران چه اگر عروج نبی مرسل بود در لیل بود که سبحان
الذی اسری بعبده لیلا من المسجد الحرام یا کست خداوندی
که در شب سیر و حرکت فرمود بنده خود را از مسجد الحرام و اگر
نزول ملک مقرب است هم در شب است که تنزل الملائکة
والروح فیها باذن ربهم من کل امر یعنی فرود
میایند فرشتگان و روح در شب قدر باذن ربهم در رخصت
پروردگار ایشان از هر گونه امری سلام است از ظلمت شب
دنیا و غفلت نفس و هوی خلاص نتوان یافت مگر به سحر
و از دولت بیداری این قوم را این یاری رسید که نجیناهم
بسحر یعنی نجات دادیم ایشان را در وقت سحر هر که قدر
شب شناخت در ریاضت از وی بهره یافت که لیلة القدر

خیر من الف شهر یعنی شب قدر بهتر است از هزار ماه شعر
شب گرچه برای این دل زارم زیست   دو زندهٔ این تن وفادار من است
لیکن چه شب خیال او یار من است   من بندهٔ شب که روز بازار من است
مثل شب احیا چنانست که کسی حاجتمند پادشاهی است و از غایت
احتشام آن پادشاه و از ازدحام درگاه فرصت عرض حاجت
نمییابد ناگاه فرصتی یافت و از حضور پادشاه که از ازدحام
بهره مند گشت هر آینه حاجت خود را عرض خواهد نمود همچنین
بندگان که حاجتمند حضرت مالک الملوک و خواهان حاجات
و مرادات خودند در شبهای تا سواد فات اسحار که اوان
مناجات و منادات حضرت پروردگار و زمان عدم ازدحام
اغیار است عرض حاجت و ادای عبودیت خود را بدان حضرت
غنیمت شمارند ببوی دولت سحر خیز تو چه باد صبا
که بوی دولت نشمکین دم سحر یابی   زیرا که شب پرده اهل
راز است و خاصان الحضرت را در پس این پرده بی نیاز است
در اشاعت اقداح عنایات و افضال در کام جان ایشان
میریزند

میریزند و گلهای مرادات در چمن سرای ایشان می شکوفند شعر
شب تیره برخیز دلگشای راز   بنه روی بر روی خاک نیاز
سرا پرده و پادشاهیش بین   خداوندی و کبریائیش بین
چه رفتی بدرگاه لطفش فراز   بیاید تو را لطف او پیش باز
نه حاجب نه دستور نه پیش کار   که مانع شوند از نهیبان کار
اگر ره روی روز راهت دهند   چه در شب نباهی پناهت دهند
شب تیره در پیش و راه دراز   ز شب زنده دار چراغی بساز
ز دنیا تو را راه گور است پیش   ببر توشهٔ گور همراه خویش
شب گور را اگر گور روشن بود   بچشم تو آن گور گلشن بود
چراغی بنه در شبستان گور   که در گور نه ماه ماند نه نور
بالجمله هر که بدولت عظمی و موهبت کبری رسید از خواص
شب خیزی و نفس سحر خیزی بود زهی سعادت آنکه اینش
روزی بود   هر گنج سعادت که خداداد بحافظ از
درس دعای شب و ورد سحری بود   القصه فضائل
و حسنات و ارتفاع درجات این حسنه علیه و فیض فتوح

شب خیزی و خواص و ثواب نماز شب و حقایق و معانی که نتیجهٔ انست و صفای
خاطری که ازان بحصول می پیوندد و اطلاع بر مغیبات و خفیات که دست
میدهد و نور و حضوری که بظهور میرسد بیش ازانستکه این مختصر
احتمال ذکران تواند کرد اگر بتمامی بیان کنیم از مقصود که بیان شرائط
و کیفیت ادا نماز و اداب قرائت قران و دعا است باز مانیم و تمام
خود کی شود کین قصه درازاست و بپایان نرسد مقاله اول در بیان
شرائط و اداب و کیفیت اداء نماز شب و ایراد دعوات و مناجات و قواعد
تلاوت قران بعد ازان وضو بعد ذکر حضرت رحمن جلت عظمته
بدانکه چون مومنی خواهد که این نماز گذارد باید که ساعتی یا دو ساعت
بیشتر از صبح برخیزد و ترک راحت خواب کند و نفی اسایش بستر
کرم نماید و هر چند زودتر برخیزد ثواب بیشتر یابد زیرا که برکت
در بیگاه خواستن است و هر که تا صبح خفته باید برکت انروز را
بتمام در نیابد اما نماز شب را هر چند بصبح نزدیکتر گذارد فضیلت
انزیاده باشد چه وقت این نماز از نیمه شب است تا طلوع صبح
دویم و کثرت و قلت قیام شب بحسب قوت و ضعف قائم بود نبی و د...
را تمام

را تمام شب مکر اندکی و قوی تر از سائر امت دو ثلث و ضعیف را یکی
ولیکن اختیار همه در نصف آخر و اختیار همه بر ثلث آخر و اشاره باین
ترتیب است انچه خطاب است بحضرت رسول الله که یا ایها المزمل قم
اللیل الا قلیلا نصفه او انقص منه قلیلا او زد علیه یعنی
ایجامه بر خود پیچیده برخیز در شب برای نماز مکر اندک زمان برخیز
نیمهٔ ان یا کم کن از نیمه ان اندکی یا زیاد کن بر نیمه ان و موید این تقریر
و موکد این تخییر آیت دیگر است که فرموده ان ربک یعلم انک
تقوم ادنی من ثلثی اللیل و نصفه و ثلثه یعنی بدرستیکه پروردگار
تو میداند که تو بر میخیزی بعبادت کاهی کمتر از دو ثلث شب و کاهی نیمه شب
و کاهی سه یک شب مبالغه در این نماز تا غایتی است که گفته اند اگر کسی چهار
رکعت ازین نماز گذارده باشد و صبح طلوع کند باقی را به نیت ادا در صبح
تواند گذارد و اگر کمتر از چهار رکعت ازین نماز گذارده باشد و صبح
طلوع کند بعد ازان قضا نماید تاکید دیگر انکه جوانان را که رطوبت
دماغ دارند و مسافران را که وقت یا نیم شب کیر میکنند جائز است که بیشتر از نیم
شب بعد از وتیره اداء این نماز نمایند و قضا نها من تقدیمها افضل

بیان مسائل نماز شب

قضا کردن نماز شب از پیش انداختن آن بهتر است تأکید دیگر آنکه
جایز دانسته اند که مسافر بر بالای مرکب نماز شب را ادا نماید بکیفیتیکه
در وقت نیت و تکبیر احرام متوجه قبله باشد و در بقیه باقی نماز
روی بهر سمت راه داشته باشد مرکب را میراند و قرائت میخواند و باشارت
رکوع و سجود بجا میآورد یا بر قربوس زین سجده میکند تا آخر نماز و از
اشد تأکید آنستکه آنکه حضرت نبی صلعم در باب این نماز میفرماید
و قول لولا ان اشق علی امتی لفرضتها علیهم یعنی واگر نبود که شاق
و دشوار بود بر امت خود هر آینه واجب میگردانیدم نماز شب را
بر ایشان پس چون از خواب بیدار شود اول چشمها را نیکو بمالد
تا خواب تمام دور گردد بعد از آن زبان بذکر و ثنای خدا تعالی
بر گشاید و در این حال در ذکر و تسبیح سرعت نماید برای آنکه چون آدمی بخواب
رود باطن او بطهارت فطری عود کند پس بوقت بیدار شدن آن
طهارت اصلی را غنیمت شمارد و نگذارد که بچیزی دیگر متغیر گردد
و حق تعالی فرموده است که وقوموا لله قانتین یعنی برخیزید برای
خداوند در حالتیکه عبادت کننده گان باشید و باید که اول چیزیکه
بر زبان قائم جاری شود این کلمات
باشد

باشد

لا اله الا الله الحی القیوم وهو علی کل شیء قدیر
سبحان الله رب النبیین واله المرسلین وسبحان الله
رب السموات السبع ورب الارضین السبع وما
فیهن وما بینهن ورب العرش العظیم وسلام
علی المرسلین والحمد لله رب العالمین الحمد لله
الذی احیانی بعد ما اماتنی والیه النشور الحمد
لله الذی رد علی روحی لاحمده واعبده سبوح قدوس
ربنا ورب الملائکة والروح سبقت رحمتک
غضبک لا اله الا انت عملت سوءا وظلمت نفسی
فاغفر لی انه لا یغفر الذنوب الا انت فتب علی
انک انت التواب الرحیم آنگه بمسواک کردن مشغول
گردد که سنت مؤکد است و در همه وقتها خصوصا در نماز صبح
پیش از وضو و بعد از وضو که در خبر است که یک نماز با مسواک
افضل است از هفتاد نماز بی مسواک پس با سکینه و وقار
و طمأنینه و استغفار و استعاذه و بسمله و صلوات و ادعیه

پس آیات اواخر سوره آل عمران ان فی خلق السموات الی قوله تعالی لا تخلف المیعاد بخواند پس بگوید یا نور النور یا مدبر الامور یا من یلی التدبیر ویقضی المقادیر امض مقادیری فی یومی هذا الی النجاة والعافیة
منه

ونفی وسوسه طهارت تمام بجا آورد انگاه روی بمصلی آورد تا طهارت تمام نباشد
بنده شایسته مناجات حضرت رفیع الدرجات نگردد و طهارت تمام عبارت
است از طهارت ظاهر و باطن طهارت ظاهر تطهیر بدن و لباس و مکان
است از نجاستها و احداث خفیفه و ثقیله و طهارت باطن تزکیه و تصفیه
و تجلیه نفس است و دل و جان از اخباث اخلاق ذمیمه و اوصاف ردیه
رذیله و اوساخ و اضداد طبیعت و هوس و الواث محبت دنیا و ادناس
رؤیت ماسوی پس طهارت شرط صحت صلوة است که لا صلوة الا بطهور
نیست نماز مگر با طهارت و چگونه چنین نباشد و حال آنکه حقیقت
صلوة مواصلت است میان خداوند و بنده و صورت آن مناجات است بینهما
و متنجس و محدث شایسته و سزاوار وصول حضرت قدس و مناجات
او شوند پس چه این طهارت بجنان پاکی چگونه مناجات میسر گردد شعر

بر آنکو کرد حاصل این طهارت — شود بی شک سزاوار مناجات
تو تا خود را بکلی در نبازی — نمازت کی شود هرگز نمازی
چه ذاتت پاک گردد از همه شین — نمازت گردد آنگه قرة العین

و نیز شیطان در هیچ وقت بر حال مؤمن چندان رشک و حسد
نبرد که در حالت نماز که مقام قرب و راز او است با خداوند تعالی و اخرا

و تبیل

وقبیل خود را در آنوقت بمحاربه و مدافعه او برانگیزانند
و مؤمن مصلی با احزاب ایمانی و جنود ربانی در صدد مقاتله 16
او در آید و بسلاح محتاج گردد طهارت که نوریست از انوار
ایمانی و اثریست از آثار اسلام مؤمن را بمثابه سلاحی است در
دفع نفس و شیطان که دشمنان حقیقی اویند که اَلْوُضُوءُ سلاح المؤمن
وَنفسه العَدُوُّ وضوء سلاح و حربه مؤمن است و نفس مؤمن
دشمن مؤمن است پس بدین وسیله بر شیطان غالب گردد پس
بدو سه تکبیر گروهیکه برای خدایند ایشانند غلبه کنندگان
پس از سر خضوع و خشوع روی بقبله آورد و تحت الحنک
بر ببندد و بوی خوش بکار دارد و پیش از نماز نافله دو رکعت
نماز بشکر حیوة یا شکر صحت یا دو رکعت سنت مطلق بگذارد
و چون این دو رکعت بگذارد کدورت خواب و ثقل بدن از وی
زایل گردد و دلش را اطمینان پدید آید در نماز باسانی نفی خواطر
تواند کرد و حضور دل که جان نماز است بوجودی روی نماید
مسئله اگر نماز را در خانه خویشتن در موضع پاک و مکان صفا
ناک و مصلائی پاکیزه و خوشبوی ادا نماید خوب تر باشد و به ترقی روح
مصلی نزدیکتر و باید که در آن موضع از هیچ جانب رائحه کریهه و متعفن از

از نجاست باو نرسد که البته وقت اداء بر وی مشوش کند بدین ترتیب
اول تکبیرات سبعه با دعوات ان بجا آورد و بعد از ان کلمات
وجهت وجهی بخواند برای انکه این اوراد شریفه سنت است
در هفت موضع قرائت کردن اول در اول هر نماز فریضه
از فرائض یومیه خمسه بعد از اقامه و دعاء ان دویم در اول
رکعت از نوافل زوال سیم در اول رکعت از نوافل مغرب
چهارم در اول نماز وتیره بعد از نماز خفتن پنجم در
اول رکعت نماز شب ششم در اول نماز وتر بعد از شفع
هفتم در اول نماز احرام حج و بیان قرائت دعوات
تکبیرات چنانست که چون روی بقبله کند و متوجه اداء
نماز شود پیشتر از نیت نماز رتب ابتدا دعا را بخواند اللهم
الیک توجهت و مرضاتک طلبت و ثوابک
ابتغیت و بک آمنت و علیک توکلت
اللهم صل علی محمد و آل محمد وافتح مسامع

قلبی

دعاء اول نماز

قلبی لذکرک و ثبتنی علی دینک و لا تزغ قلبی بعد
اذ هدیتنی وهب لی من لدنک رحمة انک انت
الوهاب انگه شش تکبیر بگوید از عقب یکدیگر بدین قاعده
الله اکبر و بر هر یک وقف کند و با هر یکی دست بردارد
تا نرمه گوش و هم چنین در تکبیرهای دیگر نماز سنت بود
دست برداشتن پس ابتدا دعا را بخواند اللهم انت الملک الحق
المبین لا اله الا انت سبحانک و بحمدک عملت سوء
و ظلمت نفسی و اعترفت بذنبی فاغفر لی ذنوبی فانه
لا یغفر الذنوب الا انت انگه دو تکبیر بگوید بقاعده مذکوره
و ابتدا دعا را بخواند لبیک و سعدیک و الخیر فی یدیک
و الشر لیس الیک و المهدی من هدیت الهی عبدک
و ابن عبدیک بین یدیک منک و بک و لک
و الیک لا ملجا و لا منجا و لا مفر منک الا الیک
سبحانک و حنانیک تبارکت و تعالیت سبحانک
رب البیت الحرام انگه تکبیر دیگر بگوید تمامی شش تکبیر شود

و تکبیر هفتم تکبیر احرام نماز باشد که واجب است بعد از نیت هر نمازی
و تکبیرات دیگر سنت بود پس هر دو دست بردارد برابر روی کف‌ها
گشاده و انگشتان منضم بهم باز نهاده و دعای مناسب در این
نماز موافق این وقت از دعوات ائمه هدی علیهم السلام بخواند و اگر اینه دعا بخواند
که مشهور و معهود است بعد از تکبیرات و دعوات مذکوره هم جائز است
رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلٰوةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ
رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ
يَا مُحْسِنُ قَدْ أَتَاكَ الْمُسِيءُ وَقَدْ أَمَرْتَ الْمُحْسِنَ أَنْ
يَتَجَاوَزَ عَنِ الْمُسِيءِ أَنْتَ الْمُحْسِنُ وَأَنَا الْمُسِيءُ فَتَجَاوَزْ
عَنْ قَبِيحِ مَا تَعْلَمُ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ
وَصَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ
و هر دو دست بروی فرو آورد و برابر خود فرو گذارد و نیت
چنین نماید أُصَلِّي رَكْعَتَيْنِ مِنْ نَافِلَةِ اللَّيْلِ أَدَاءً لِنَدْبِهِمَا
قُرْبَةً إِلَى اللهِ اللهُ أَكْبَرُ در حال تکبیر احرام دست بردارد تا نرمهٔ
گوش آنگاه فرو آورد تا برابر آیینه زانو بر روی ران بگذارد
پس بگوید وجهت

پس بگوید وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضَ عالم الغیب والشهادة
عَلَى مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ وَدِينِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَمِنْهَاجِ
عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَنِيفًا مُسْلِمًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ
إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذٰلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ
اللهم اجعلنی من المسلمین ... و من التوابین ... و المقربین
انگه استعاذه نماید و بسم الله بجهر بگوید و الحمد لله سوره را بخواند و
بعد از آن یکی از سوره را معین سازد و به نیت آن بسمله
بگوید و هر سوره که در نماز یا غیر نماز از سور قرآنی را که بخواهد
بخواند اول تعیین آن سوره نماید انگه بسم الله بقصد آن بگوید چه
بسم الله هر سوره آیه ایست از آن سوره و چون الحمد را بخواند
سنت آنست که در هر رکعتی از دو رکعت اولین این نماز سی
نوبت سوره کریمه قل هو الله بخواند و اگر نتواند بسبب یا وقت
تنگ شده باشد در هر رکعتی پانزده بار بخواند تا سه بار و یک بار
نیز جائز داشته‌اند و در شش رکعت دیگر بعد از حمد آنچه

ازقران داند بخواند اما پسندیده تر آنست که سورهای دراز قران
بخواند چون انعام و کهف و انبیاء و طس و یس و حم و اگر
این سورها را نتواند خواند سورهای طوال مفصل قران از سوره
محمد صلی الله علیه و آله است تا آخران در انها بخواند چون انا فتحنا
والرحمن و تبارک و یا ایها المزمل و هل اتی و عم
و در آخر شب سور قصار انرا چون واللیل و والتین
وانا انزلناه و اذا زلزلت و غیرها تا آخر شاید
کم با الحمد و قل هو الله تنها بلکه بحمد تنها اختصار
نماید حال مصلی و سعت وقت [وضیق] و مقام مقتضی آنچه باشد
اختیار نماید روایت است از امیرالمؤمنین علیه السلام
که در همه نمازها بعد از الحمد سورهٔ بجز قل هو الله احد نخواندی
از وی پرسیدند گفتی که بجهة توحید و اخلاص که این سوره
بدان اختصاص یافته مردیست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله
از یکی از اصحاب خود که در یکی از غزوات از جمله ملازمین
حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام بود پرسیدند که آیا از امیر خود

راضی هستی

راضی هستی یا نه گفت یا رسول الله چیزی از آنحضرت ندیدم که
انکار بر او توان کرد الا آنکه در جمیع نمازها بعد از فاتحه سوره
توحید تلاوت میکرد و سوره دیگر نمیخواند رسول خدا از علی
پرسید از چه سبب غیر توحید نخواندی عرض کرد از این جهة که
من این سوره را دوست میدارم حضرت فرمود یا علی
راست گفتی که توحید را دوست میداری و توحید تو را
دوست میدارد و واحد احد هم تو را و هم قل هو الله را
دوست میدارد مسئلة در این نماز و نوافل دیگر جائز
است که بعد از فاتحه چند سوره بخواند در یک رکعت و نیز
روایت شده است که آیتی چند از سوره بخواند و برکوع رود
با آنکه سوره را تمام ناکرده بخلاف نماز فریضه که هیچ کدام از
این دو حال در وی جائز نیست دیگر سنت است در این
نماز و در نوافل مغرب و صبح قرائت بلند خواندن و در آن
چند نکته است یکی آنکه در فرائض لیلیه قرائت بجهر خوانند
نوافل لیلیه بان نیز موافق باشد بجهة آنکه فرع باز

میکردد بسوی اصل دیگر انکه چون قران در شب نازل شده که
انا انزلناه فی لیلة القدر و ایة دیگر انا انزلناه
فی لیلة مبارکة یعنی بدرستیکه ما نازل ساختیم قران را
در شب قدر و شب مبارک بالخاصیة قدرت بر تلاوت
و قوت قرائت در شب زیاده از روز واقع است چنانکه
حق تعالی فرموده است ان ناشئة اللیل هی اشد
وطاء و اقوم قیلا یعنی قیام شب اشد است از جهة
موافقت میان دل و زبان در تلاوت و تفهم قران
از برای انکه فراغ دل در شب بیشتر است و غوغای اشغال
کمتر فلا جرم اثر ان در دلها اکثر و از این است که قرائت
نماز اطول انسب است چنانکه امیر المومنین ع در بیان
وصف پرهیزکاران فرموده است که اما در شب پس ایشان
صف زننده اند قدمهای خود را و تلاوت کننده اند
قران را شمرده و نیکو اندوهناک میکنند بسبب قران

نفسهای

نفسهای خود را و طلب میکنند بوسیله قران دواء درد خود را و دیگر انکه
حضرت حق سبحانه فرموده و اذا قرات القران جعلنا بینک و بین
الذین لا یومنون بالاخرة حجابا مستورا چون قران خوانی بگردانیم
ما که خداوندیم میان تو و میان کافران حجاب و حفظیکه ان تو را از
ایشان محفوظ دارد و ایشان از تو محروم و در هیچ وقتی شیطان که سر کرده
کافران است و خیل او بر انسان چنان هجوم نکنند که در وقت نماز چنانکه
مذکور شد پس وسوسه او در نماز شب اقوی بطریق اولی بنا بر این مصلی
بجهة منع کردن شیطان و گروه او از خود در این نماز قرائت بلند
بخواند تا لشکر شیطان منهزم گردد چنانکه گفته اند شعر دیو بگریزد از ان
قوم که قران خوانند * دیگر روایت است که چون ملائکه ارض و طوارق
اواز قرائت قاری را بشنوند در شب تا روز بتسبیح و تهلیل و صلوة و تکبیر
مشغول گردند و از برای مصلی استغفار کنند و امرزش طلبند دیگر
انکه هر خفته مغرور و هر غافل مهجور که از نزدیک و دور اواز قاری
مصلی را در شب دیجور بشنود محتمل که از خواب غفلت و غرور بیدار
گردد و ممکن که دلش را حرکتی پدید اید و این معنی باعث شوق
گردد برخیزد و طهارتی کند و دوگانه از یادی بیگانه ادا نماید
و نیاز نیم شبی عرضه دارد یا هم چنان برجای مانده ناله کند و اهی کشد

و کلمهٔ ذکری بگوید و قطرهٔ اشکی بر خاک تیره ریزد و دل غم دیده را
باب دیده نم سازد چه قرائت شب را این همه خاصیت و برکت است
اما باید که بسیار بلند نخواند و بسیار آهسته نیز نخواند طریق اوسط
و قوام اعدل نگاه دارد چنانکه روایت است که شبی حضرت نبی (ص)
در یکی از غزوات در میان لشکر اسلام سیر میفرمود و تفحص احوال
اصحاب میفرمود یکی از صحابه را دید که نماز تهجد میگذارد و قرائت
آهسته میخواند پرسید چرا قرائت آهسته میخوانی گفت اسمعت
مَن ناجیتُ لازم یعنی آنکه میشنوم آن کسیکه با وی مناجات
میکنم آنحضرت فرمود ارفع من صوتک شیئا اندکی
آواز بردار و هم چنین بگذشت بر دیگری دید که قرائت را
بلند میخواند فرمود که چرا قرائت را بلند میخوانی گفت اوقظ
الوسنان واطرد الشیطان بیدار میکنم خفتگان را و
دور میکنم شیطان را حضرت فرمود اخفض من صوتک شیئا
قدری آهسته تر خوان پس معلوم شد که در همه کار در همه طریق اعتدال
اقرب است بکمال چنانکه حضرت حق جل و علا با حضرت رسول
معلی در این باب خطاب میکند که ولا تجهر بصلاتک ولا
تخافت

تخافت بها وابتغ بین ذالک سبیلا یعنی جهر مکن و بسیار بلند
۲۱ مخوان نماز خود را و بسیار آهسته مخوان آنرا و طلب کن در میان بلندی
و آهستگی راهی و اقعتر در وقتیکه این فقیر بضاعت و این حقیر کم
طاعت بتالیف این رساله و ترتیب این مقاله مشغول بود و شب و روز
در تحقیق هر مسئله و تدقیق هر نکته از مسائل و نکات در صدد جمع و ایراد
آن میبود تأمل و تفکر مینمود و بقدر وسع سعی و اجتهاد مبذول
میداشت شبی چنان دید که در گوشه بام سرائی مقام دارد و حضرت الامام
امام جعفر بن محمد الصادق علیهما السلام در آن سرا بنماز تهجد قیام دارد
و قرائت بجهر میخواند و هم چنان با خضوع و خشوع و ملایم و دل پذیر ادا
میکند که از لذت آن قرائت و حلاوت آن تلاوت داعی را حالت غریبه
در آن واقعه دست داد و وجد و شوقی تمام روی نمود و فیض و فتوح
سماع و استماع آن بمرتبه واقع گردید که آن را با حمل بر رؤیای اضغاث
و احلام نتوانست کرد و داعی را در آنحال متیقن گشت که آن آواز
حضرت امام علیه السلام است چه آن نوع از قرائت از غیر امام معصوم متصور نیست
و نیز محقق گردید که آنحال در واقعه است گوش جان فرا داشت و بسمع
دل اصغا نمود تا بداند که آنحضرت بچه کیفیت اداء آن نماز میکند
معلوم شد که هرچه در این نسخه نوشته مطابق واقع است و دلیل دیگر

بر صدق رؤیا و رخصت این تألیف آنکه در آن حالت چنان بنظر در آمد
که یکی از فرزندان آن امام یا از خدام ایشان بر بالای آن بام حاضر گشت
و کتابی بدست این کمینه داد که در آن بعضی از خطوط حضرت بود در
آن وقت و حالت خواستم که طهارت کنم و بشرف ملازمت آنحضرت
مشرف شوم نظم خود این دولت نشد ما را حواله در حالت وضو
انداختم با حضور آمدم کر باین دنباله آن وقت نماز تهجد بود این
معنی دلیل دیگر شد بر حقیت واقعه والله اعلم بحقیقتها
مسئله اگر این نماز را در موضعی گذارد که جمعی اخوان صفا
و قومی از سالکان راه خدا آنجا بعبادت مشغول باشند و نیت
عزلت یا خلوت کرده باشند و نفی خاطر داشته باشند یا
داند که نفس را در قرائت جهر خطر است و از شایبهٔ ریا و شبهه
رعونت خالی نیست در اعقام و در این حالت اخفات
قرائت از جهر اولی باشد دیگر سنت موکد است در
این نماز و در مجموع نمازهای شبانه روزی فرضا و نفلا
قنوت خواندن در رکعت دوم بعد از اتمام قرائت و پیش
از رکوع اما در فرائض یومیه و نوافل لیلیه موکدتر است
و دعواتیکه ائمه هدی سلام الله علیهم در قنوت خوانده اند بسیار است
اما از جمله کلمات فرج از همه فاضلتر و مختار است و آن اینست

لا اله الا الله

۲۲

دعا قنوت

لا اله الا الله الحلیم الکریم لا اله الا الله العلی العظیم سبحان الله
رب السموات السبع و رب الارضین السبع و ما فیهن و ما بینهن
و ما تحتهن و رب العرش العظیم و سلام علی المرسلین و الحمد لله
رب العالمین و این دعا را نیز بجای دعای فرج تواند خواند
رب اغفر و ارحم و تجاوز عما تعلم انک انت الاعز الاکرم
و انت ارحم الراحمین دیگر سنتها است که در وقت نماز در قیام
و نیت نظر بر موضع سجده داشتن و در حالت قنوت بر کفهای
دستها و در حال رکوع میان قدمها و در حال سجده بطرف
بینی و در حال تشهد بسوی کنار خویش دیگر سنت است که
در حال تکبیرة الاحرام و تکبیرات دیگر دستها برابر نرمهٔ گوش
برداشتن و در حال قیام و قرائت بر روی رانها نهادن
برابر آینه زانو انگشتان بهم باز نهاده و کفها گشاده و
در حال قنوت برابر روی برداشتن کفها گشاده و انگشتان
بهم باز نهاده و در حال رکوع بر سر زانو نهادن و کفها
و انگشتان گشاده و در حال سجود برابر گوش و چشم بر زمین
نهادن و کفها گشاده و انگشتان بهم باز نهاده و در حال
تشهد بر روی ران نهادن و کفها گشاده و انگشتان بهم

باز نهاده دیگر واجبات و مندوبات و ارکان و افعال نماز و شرایط و آداب
و کیفیت هر عملی از اعمال آن در کتب مطوله و نسخ مبسوطه مذکور و مسطورست
از آنجا طلب نمایند که اینجا مقصود بیان بعضی از آنها بود و غرض اصلی
دعا بود کلی شرح فضیلت نماز شب و کیفیت آداب دعا بود و الله ولی
الاجابة پس چون دو رکعت اولین بدین قاعده تمام کنند سلام دهد
از عقب آن نیت کند که ادعو بهذا الدعاء لندبه قربة الی الله و این دعا
بخواند اللّٰهُمَّ اِنِّی سَأَلْتُکَ وَلَمْ یُسْأَلْ مِثْلُکَ اَنْتَ مَوْضِعُ
مَسْأَلَةِ السَّائِلِینَ وَمُنْتَهَی رَغْبَةِ الرَّاغِبِینَ اَدْعُوکَ وَلَمْ
یُدْعَ مِثْلُکَ وَاَرْغَبُ اِلَیْکَ وَلَمْ یُرْغَبْ اِلَی مِثْلِکَ
اَنْتَ مُجِیبُ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّینَ وَاَنْتَ اَرْحَمُ الرَّاحِمِینَ
اَسْأَلُکَ بِاَفْضَلِ الْمَسَائِلِ وَاَنْجَحِهَا وَاَعْظَمِهَا یَا اَللّٰهُ
یَا رَحْمٰنُ یَا رَحِیمُ بِاَسْمَائِکَ الْحُسْنَی وَاَمْثَالِکَ الْعُلْیَا علیک صح
وَنِعَمِکَ الَّتِی لَا تُحْصَی وَبِاَکْرَمِ اَسْمَائِکَ وَاَحَبِّهَا اِلَیْکَ
وَاَقْرَبِهَا مِنْکَ وَسِیلَةً وَاَشْرَفِهَا عِنْدَکَ مَنْزِلَةً وَاَجْزَلِهَا
لَدَیْکَ ثَوَابًا وَاَسْرَعِهَا فِی الْاُمُورِ اِجَابَةً وَبِاسْمِکَ الْمَکْنُونِ
الْاَکْبَرِ الْاَعَزِّ الْاَجَلِّ الْاَعْظَمِ الْاَکْرَمِ الَّذِی تُحِبُّهُ وَ
تَهْوَاهُ وَتَرْضَی بِهِ عَمَّنْ دَعَاکَ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ دُعَائَهُ
وَحَقٌّ

بعد از هر دو رکعت
وَحَقٌّ عَلَیْکَ اَنْ لَا تَحْرِمَ سَائِلَکَ وَلَا تَرُدَّهُ وَ ۲۳
بِکُلِّ اسْمٍ هُوَ لَکَ فِی التَّوْرَاةِ وَالْاِنْجِیلِ وَالزَّبُورِ
وَالْفُرْقَانِ الْعَظِیمِ وَبِکُلِّ اسْمٍ دَعَاکَ بِهِ حَمَلَةُ عَرْشِکَ
وَمَلَائِکَتُکَ وَاَنْبِیَاؤُکَ وَرُسُلُکَ وَاَهْلُ طَاعَتِکَ
مِنْ خَلْقِکَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَجْعَلَ
لَنَا فَرَجًا وَمَخْرَجًا وَاَنْ تَتُوبَ عَلَیْنَا وَاَنْ تَغْفِرَ لَنَا
ذُنُوبَنَا وَلِوَالِدِینَا وَاَنْ تُسَهِّلَ وَتُعَجِّلَ فَرَجَ وَلِیِّکَ
وَابْنِ وَلِیِّکَ وَتُعَجِّلَ خِزْیَ اَعْدَائِهِ بِرَحْمَتِکَ یَا اَرْحَمَ
الرَّاحِمِینَ وَصَلَّی اللّٰهُ عَلَی سَیِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ اَجْمَعِینَ الطَّیِّبِینَ
الطَّاهِرِینَ و از عقب هر دو رکعت که میگذارد این دعا
میخواند تا هشت رکعت معهوده باین قاعده تمام کند و باید که
هر دو رکعت بیک نیت و یک سلام تمام کند و سنت است که
از عقب هر چهار رکعت سجدهٔ شکر بکند و دعاها که داند در آن بخواند
و هر حاجت که دارد بخواهد و ... از عقب هر دو رکعت سجده شکری
بجا آورند و بعضی از مشایخ طریقت که طریقت او بعینها همین
طریقه اهل البیت سلام الله علیهم بوده روایت کرده که بعد از هر چهار رکعت این نماز

این نماز این دعا خوانده اند که داعی از درویشان نقل کرده
جز این سلامت نموده و بسی فیض و فتوح از ان دیده و دعا این است
یا الله یا سبحان یا غفران یا حنان یا منان یا رحمن
یا رحیم یا قدیم یا کریم یا عظیم یا خفی یا وفی یا رب
یا رب الارباب یا مسبب الاسباب یا مفتح الابواب
هر یک از این اسماء مبارک را سه مرتبه بتضرع بگوید انگه بگوید
صل علی محمد و آل محمد و تب علینا انک انت التواب الرحیم
اللهم انی اسئلک باقبال نهارک و ادبار لیلک و حضور
صلواتک و اصوات دعاتک و اسئلک باسمک العظیم
الاعظم ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تجعل لنا فرجا
و مخرجا و ان تتوب علینا برحمتک یا ارحم الراحمین
و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام بعد از عقب رکعت هشتم
این دعا میخواندند اللهم انی اسئلک بحرمة من عاذ
بک منک و لجأ الی عزک و استظل بفیئک و اعتصم
بحبلک و لم یثق الا بک یا جزیل العطایا یا مطلق
الاساری یا من سمی نفسه من جوده وهابا ادعوک
رغبا و رهبا خوفا

و خوفا و طمعا و الحاحا و الحافا و تضرعا و تملقا و قعودا
و قائما و راکعا و ساجدا و راکبا و ماشیا و ذاهبا
و جائیا و فی کل حالاتی اللهم انی اسئلک ان تصلی
علی محمد و آل محمد و ان ترحم ذلی بین یدیک و تضرعی
الیک و وحشتی من الناس و انسی بک برحمتک
یا ارحم الراحمین پس چون سجده شکر بکند و حاجة بخواهد بر خیزد
و دو رکعت نماز شفع بگذارد و نیت ان چنین کند
اصلی رکعتی الشفع اداء لندبها قربة الی الله
و بعد از فاتحه هر سوره که خواهد از سورهائیکه مذکور شد در ان بخواند
و در رکعت دویم قنوت در موضع ان بخواند و حاجت در خواهد
و چون سلام بدهد این دعا را بخواند الهی تعرض لک فی هذا
اللیل المتعرضون و قصدک فیه القاصدون و امل
فضلک و معروفک الطالبون و لک فی هذا اللیل
نفحات و جوائز و عطایا و مواهب تمن بها
علی من تشاء من عبادک و تمنعها من لم تسبق
له العنایة منک و ها انا ذا عبیدک الفقیر الیک

بعد از شفع

المؤمّل فضلك ومعروفك فان كنت يا مولاى تفضلت
في هذه الليلة على احدٍ من خلقك وعدت عليه
بعائدة من عطفك فصلّ على محمّدٍ وآل محمّد
الطيبين الطاهرين الخيّرين الفاضلين وجد
على بفضلك ومعروفك وكرمك يا ربّ العالمين
وصلّ على محمّدٍ خاتم النبيين وآله الطيبين
الطاهرين الخيّرين الفاضلين الذين اذهبت
عنهم الرجز والرجس وطهّرتهم تطهيرا
انّك حميدٌ مجيدٌ اللّهمّ انّي ادعوك كما
امرتني فاستجب لي كما وعدتني انّك
لا تخلف الميعاد وصلّى الله على محمّد
وآله

وآله
اجمعين الطيّبين الطاهرين انگه برخيزد
و يك ركعت نماز وتر بگذارد در اول آن هفت
تكبير و ادعيه و وجّهت كه در پيش گفته اند بخواند
و نيت چنين كند كه اصلّي صلوة الوتر اداءً لندبها
قربةً الى الله و الحمد يك بار و سورهٔ كريمهٔ اخلاص
سه بار و هر دو قل اعوذ يكبار انگاه دستها
بقنوت بردارد و انچه خواهد و داند از دعا
بخواند اما انچه پسنديده تر است آنست كه كلمات
فرج بخواند و بعد ازان بگويد يا الله الذي
دعاء وتر
ليس كمثله شيءٌ وهو السميع البصير صلّ على محمّدٍ
وآل محمّدٍ وعافني من شرّ كلّ جبّارٍ عنيدٍ ومن
شرّ كلّ شيطانٍ مريدٍ ومن شرّ شياطين الجنّ
والانس ومن شرّ فسقة العرب والعجم ومن
شرّ كلّ دابّةٍ صغيرةٍ او كبيرةٍ بالليل والنهار

ومن شر كل شديد من خلقك وضعيف ومن شر
الصواعق والبرد ومن شر الهامة واللامة
والخاصة والعامة اللهم من كان اصبح و
امسى وله ثقة او رجاء غيرك فاني اصبحت
وامسيت وانت ثقتي ورجائي في الامور
كلها فاقض لي في الامور خير كلها عافية يا اكرم
من سئل ويا اجود من اعطى ويا ارحم من
استرحم صل على محمد وآل محمد وارحم
ذلي وضعفي وقلة حيلتي وامنن علي
بالجنة وفك رقبتي من النار وعافني
في نفسي وفي جميع اموري كلها برحمتك
يا ارحم

يا ارحم الراحمين اللهم انك ترى ولا ترى
وانت بالمنظر الاعلى وان اليك الرجعى والمنتهى
ولك المماة والمحيا وان لك الاخرة والاولى
اللهم انا نعوذ بك من ان نذل ونخزى
اللهم اهدني فيمن هديت وعافني فيمن
عافيت وتولني فيمن توليت ونجني
من النار فيمن انجيت انك تقضي ولا
يقضى عليك وتجير ولا يجار عليك
وتستغني ويفتقر اليك والمصير والمعاد
اليك وتعز من واليت ولا يعز من عاديت
ولا يذل من واليت تباركت ربنا و
تعاليت امنت بك وتوكلت عليك و

وَلاحَولَ وَلاقُوَّةَ اِلّا بِاللهِ العَلِیِّ العَظِیمِ
اللّهُمَّ اِنّی اَعُوذُ بِكَ مِن جُهدِ البَلاءِ
وَمِن سُوءِ القَضاءِ وَدَرَكِ الشَّقاءِ
وَتَتابُعِ الفَناءِ وَشَماتَةِ الاَعداءِ وَ
سُوءِ المَنظَرِ فِی النَّفسِ وَالاَهلِ وَالمالِ
وَالوَلَدِ وَالاَحِبّاءِ وَالاِخوانِ وَالاَولِیاءِ
وَعِندَ مُعایَنَةِ مَلَكِ المَوتِ وَعِندَ
مَواقِفِ الخِزیِ فِی الدُّنیا وَالآخِرَةِ
این وقت بگوید هذا مَقامُ العائِذِ بِكَ مِنَ
النّارِ التّائِبِ الطّالِبِ الرّاغِبِ اِلَی اللهِ
پس دست بر سینه نهد و چند بار بگوید اَستَجِیرُ
بِاللهِ مِنَ النّارِ پس باز دست بردارد و بگوید
اللّهُمَّ

اللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَصَلِّ عَلی
مَلائِکَتِكَ المُقَرَّبِینَ وَاُولِی العَزمِ مِنَ
المُرسَلِینَ وَالاَنبِیاءِ المُنتَجَبِینَ وَالاَئِمَّةِ
الرّاشِدِینَ اَوَّلِهِم وَآخِرِهِم وَعَلی عِبادِكَ
الصّالِحِینَ اللّهُمَّ عَذِّب كَفَرَةَ اَهلِ الكِتابِ
وَجَمِیعَ المُشرِكِینَ وَمَن ضارَعَهُم مِنَ المُنافِقِینَ
فَاِنَّهُم یَتَقَلَّبُونَ فی نِعمَتِكَ وَیَجعَلُونَ
الحَمدَ لِغَیرِكَ فَتَعالَیتَ عَمّا یَقُولُونَ
وَعَمّا یَصِفُونَ عُلُوّاً كَبِیراً اللّهُمَّ صَلِّ
عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ بِاَفضَلِ صَلَواتِكَ
وَعَلی تابِعِیهِم وَمُحِبِّیهِم اَجمَعِینَ
انگه برادران مؤمن را دعا کند و سنت انکه

بجهل تن را یا زیاده نماید بردکه در خبر است که هر کس چنین
البته دعایش مستجاب گردد پس هفتاد بار بگوید
اَستغفِرُ اللهَ رَبّی وَاَتوبُ اِلَیهِ واگر صد بار
بگوید فاضلتر بود و در عقب آن بگوید اَستَغفِرُ الله
اَلعَظیمَ الَّذی لا اِلهَ اِلّا هُوَ الحَیُّ القَیّومُ لِجَمیعِ
ظُلمی وَجُرمی وَاِسرافی عَلی نَفسی وَاَتوبُ
اِلَیهِ رَبِّ اَسَأتُ وَظَلَمتُ نَفسی وَبِئسَ
ما صَنَعتُ وَهذِهِ یَدای یا رَبِّ جَزاءً
بِما کَسَبَت وَهذِهِ رَقَبَتی خاضِعَةٌ
لِما اَتَیتُ وَها اَنا ذا بَینَ یَدَیكَ
فَخُذ لِنَفسِكَ مِن نَفسِیَ الرِّضا حَتّی
تَرضی لَكَ العُتبی لا اَعودُ پس هر چند انكه
تواند

تواند بگوید اَلعَفوَ اَلعَفوَ حرف آخر انجم و بعد
انکه بگوید رَبِّ اغفِر لی وَارحَمنی وَتُب
عَلَیَّ اِنَّكَ اَنتَ التَّوّابُ الرَّحیمُ در این
مقام ادعیه کثیره از ائمه انام علیهم السلام وارد شده و
هر کس طالب باشد در مظانش خواهد یافت والسلام
نکته کثرت ادعیه در این نماز بجهت این است که در
که در هیچ نمازی دعا را چندان رواج و رونق اجابت
نیست که در نماز وتر بجهت این نماز از نوافل منزلت
صلوة وسطی دارد از فرایض و شرف این نماز
تا حدیست که در بعضی از مذاهب از واجباتش
شمارند و بیانش آنست که چون ثابت شد که نماز شب بهترین
و فاضلترین سنتی است و آن منتهی میشود بدین یک
رکعت پس بر سبیل ترقی هر رکعتی از این یازده رکعت

ربنا ظلمنا انفسنا وان لم تغفر لنا وترحمنا لنكونن من الخاسرين ... لا اله الا انت سبحانك انی كنت من الظالمين فاستجبنا له ونجيناه من الغم وكذلك ننجی المؤمنين

افضل از دیگری بود هر یک را درجه زیاده تا خاتمه که
جامع جمیع درجات است پس لابد مرتبه افضلیت
از همه مراتب را ثابت بود چنانکه گفته اند ملاک
العمل خواتمه یعنی اصل و عمده عمل عاقبت است
مجملاً آنکه بر رکوع و سجود درود و نماز را تمام کند و چون
سلام بدهد ۳ تکبیر بگوید از عقب یکدیگر و با هر یکی
دست بردارد تا نرمه گوش پس تسبیح حضرت زهراء
سلام الله علیها را بگوید و آن سی و چهار بار الله
اکبر و سی و سه ۳ بار الحمد لله و سی و سه ۳ بار سبحان الله
است چنانکه احسن فنونها کلمات فرج است
هم چنین افضل تعقیبات تسبیحات مذکور است
هم در فریضه و هم در نافله بشرف نسبت حضرت زهراء
بعد از آن بگوید سه مرتبه سبحان ربی الملک القدوس
العزیز

العزیز الحکیم ۲ یا حی یا قیوم یا بر یا رحیم
یا غنی یا کریم ارزقنی من التجارة اعظمها
فضلاً واوسعها رزقاً وخیرها لی عاقبة
فانه لا خیر فیما لا عاقبة له وصلی الله
علی محمد وآله اجمعین تمت الدعاء
دعای دیگر هم در این معنی که الحق منزلت سر مکتوم
و مرتبه درع داود حصین دارد چه هر گاه که همی عظیم و غمی جسیم
روی نمودی دفع آن غم و رفع آن هم را دعا بودی
دعا این است الهی بحق الحسین واخیه و
جده وابیه وامه وبنیه وشیعته
وموالیه وقبره وساکنیه وزواره و

مجاور له خلصنی من الهم الذی انا فیه
یا قاضی الحاجات یا سمیع الدعوات
یا منزل البرکات یا دافع البلیات
برحمتک یا ارحم الراحمین وصلی الله
علی محمد و آله اجمعین فابلیت ط بیت
دادار ا
انکه از قرآن و ادعیه و اذکار و مناجات و اثنیه
و استغفار انچه داند در عقب این نماز بخواند
خصوصا دعای صحیفه سجادیه سلام الله علیه
انگاه سجده شکر نماید و در ان اینه عا بخواند
اللهم صل علی محمد و آل محمد و ارحم
ذلی بین یدیک و تضرعی الیک و
وحشتی من الناس و انسی بک یا کریم

یا کائنا

سجده شکر

یا کائنا قبل کل شیء و یا مکون کل شیء و
یا کائنا بعد کل شیء لا تفضحنی فانک بی
عالم و لا تعذبنی فانک علی قادر
اللهم انی اعوذ بک من کرب الموت و
من سوء المرجع فی القبور و من الندامة
یوم القیمة اسئلک عیشة هنیئة و
میتة سویة و منقلبا کریما غیر مخز
و لا فاضح اللهم مغفرتک اوسع من
ذنوبی و رحمتک ارجی عندی من
عملی فصل علی محمد و آل محمد و اغفر
لی یا حیا لا یموت برحمتک یا ارحم الراحمین

تمت

دعاء رفع دشواریها

در مفتاح الفلاح مسطور است که میگذاری
پیشانی خود را بر زمین و میخوانی این دعا را
و این از دعاهائیست که رفع میشود
بآنها سختیها یا سابغ النعم
یا دافع النقم یا باری النسم
یا مجلی الهمم یا مغشی الظلم
یا کاشف الضر و الالم
یا ذا الجود و الکرم یا سامع کل
صوت یا مدرک کل فوت یا
محیی العظام و هی رمیم و منشئها

بعد

بعد الموت صل علی محمد و آل محمد
و اجعل لی من امری فرجا و مخرجا
یا ذا الجلال و الاکرام ٥ ٥

در مقباس مجلسی ره از سید بن طاوس ره
از عبید بن زراره روایت کرده است که
مردی بخدمت حضرت صادق ع
آمد و از تنگدستی شکایت کرد و
گفت هر چند در طلب روزی بشهرها
میگردم تنگی معاش من زیاد میگردد
حضرت فرمود که چون از نماز فارغ
شوی بتأنی این دعا را بخوان

زاویکفت کہ بعد از اندک مدتی حال
ام نیکو شد ومال بسیار بہم رسانید
دعا اینست اللهم انه لیس لی علم
بموضع رزقی وانما اطلبه بخطرات
تخطر علی قلبی فاجول فی طلبه البلدان
وانا فیما انا طالب کالحیران لا ادری هو ای سهل — الطلب
أفی جبل ام فی ارض ام فی سماء ام
فی بر ام فی بحر وعلی یدی من
ومن قبل من وقد علمت ان
علمه عندک واسبابه بیدک
وانت الذی تقسمه بلطفک و — تقسمه

وتسببه برحمتک اللهم فصل ٣٢
علی محمد وآل محمد واجعل
یارب رزقک واسعا ومطلبه — ولا تعنني بطلب ما لم تقدر
سهلا ومأخذه قریبا تعنني — ولا تعنني صح
بطلب ما لم تقدر لی فیه رزقا
فانک غنی من عذابی وانا فقیر
الی رحمتک فصل علی محمد وآله — المحمدیه
وجد علی عبدک بفضلک
انک ذو فضل عظیم ه از مصباح منتخب الدعوات

نقل شده هر کاه کسی در مدت دو ماه هلالی روزی هزار مرتبه ذکر شریف
صلوات را بگوید بجهة هر مطلب شرعی که باشد بمطلب خود برسد مجرب است تمه

در مکارم الاخلاق الخ که از جهة بیدار شدن سحر از
حضرت صادق ع م روایت شده که آیه قل انما انا بشر الخ
بخوانند هر وقت بخواهند بیدار شوند دا نیف ر دا نیکرده
از حضرت پیغمبر ص م که فرموده هر کس بخواهد بیدار شدن
در شب را وقتیکه در رخت خواب قرار گرفت بگوید
اللّهم لا تؤمنّی مکرک ولا تنسنی ذکرک
ولا تجعلنی من الغافلین اقوم ساعة
کذا وکذا پس بدرستیکه خداوند تعالی موکل
میفرماید با آن شخص ملکی را که بیدار نماید او را
در هر ساعتی که بخواهد بود حضرت رسالت ص م
مسواک میفرمود در رخت خواب وقت خواب
والجناب به پهلوی راست میخوابید و دست راست زیاده الی
و دست راست خود را بزیر خد راست میگذاشت

در عدة الداعی مسطور است که اما ثلث اخر از
شب پس متواتر است مستجاب شدن دعا
در انوقت فرمود رسولخدا صلی الله علیه واله
که وقتیکه اخر شب شود حقتعالی میفرماید
که ایا هیچ دعا کننده هست تا دعای او را
مستجاب کنم ایا هیچ سؤال کننده هست که
سؤال کند تا بر آورم حاجت او را
ایا هیچ استغفار کننده هست تا بیامرزم
گناهان او را ایا هیچ توبه کننده هست
تا قبول کنم توبه او را و بر او رحمت کنم
و در خبر دیگر از حضرت امام رضا ص ع م

منقولست

از حضرت رسالت پناه صلعم که فرمود حقتعم فرشته
میفرستد باسمان دنیا هر شب در ثلث آخر شب و در شب جمعه
در اول شب و امر میکند بان فرشته که منادی کند که آیا هیچ
سائلی هست تا عطا کنم مسئول او را آیا هیچ تائبی هست
تا که قبول کنم توبه او را آیا هیچ استغفار کننده هست
تا بیامرزم او را ای طالب خیر متوجه شو بدرگاه خدا
و ای طالب شر کوتاه کن شر خود را و پیوسته آن فرشته
این منادی میکند تا طلوع صبح هرگاه صبح طالع شد
آن فرشته باز میگردد بمحل خود از ملکوت آسمان
گفت سید رضی الدین علی بن موسی الطاوس
قدس الله روحه الزکیه که اگر میخواهی در این
وقت بگو اللهم انی قد صدقت
بنبوتک و بمحمد خاتم رسالتک
صلی الله علیه و آله

صلی الله علیه و آله و بهذا المنادی عن جودک
وان لم تسمعه اذنی فقد سمعه عقلی
المصدق بالاخبار المتضمنة لوعدک فانا
اقول مرحبا بک ایها الملک الوارد علینا
من مالکنا الحکیم الکریم الجواد المحسن الینا
قد سمعنا بلسان حال عقولنا قولک عن معدن
نجاح مسئولنا هل من سائل فاعطیه سؤله
وانا سائل لکل ما احتاج الیه مما یقتضی دوام اقباله
علی و دوام توفیقی للاقبال علیه و تمام احسانه الی
و کمال ادبی بین یدیه و ان یحفظنی و کلما انعم
بی و احسن به الی و سمعنا قولک عن مولینا
الذی هو اهل البلوغ مأمولنا هل من تائب
فاتوب علیه و انا تائب اختیارا او اضطرارا

دعاء وقت سحر

لانی ضعیف عاجز عن غضبه و عقابه و مضطر
الی رضاه و ثوابه فان صدقت نفسی فی التوبة
علی التحقیق والا فلسان حالی و عقلی تائب
الیه بکل طریق من طرق التوفیق و سمعنا و تلک ایها
الملک عن سیدنا و سلطاننا الذی هو اهل رحمتنا
و قبولنا اهل مستغفر فاغفر له و انا مملوکه المستغفر من
کل ما یکرهه منی المستجیر بک فی العفو عنی فان صدق قلبی
و لسانی فی الاستغفار و الا فلسان حال عقلی و ما انا علیه
من الاضطرار و الاعسار و الانکسار یستغفر عنی بین یدی
جلالته و عفوه و رحمته و هو ذلیل بین یدی عزته و ارته
و قد جعلت ایها الملک ما قد ذکرته من سؤالی و توبتی و استغفاری
و اعتقادی و ذلی و انکساری امانة مسلمة الیک تعرضها
من باب الحلم و الرحمة و الکرم و الجود علی ما انعم علینا
و بعثت و ارسلت الینا و فتح بین یدینا ابواب التوصل
الیه فیما تعرضه علیه تمت   در عده

در عدة الداعی است که فرمود سید رضی
الدین علی بن الطاوس قدس الله روحه
که اگر حفظ نداشته باشی این خبر را که ما
ذکر کردیم و میسر نشود ترا که بخوانی انرا
پس بنویس انرا در رقعه و این رقعه را با خود
نگاه بدار باید در زیر سر خود بنه و حفظ
کن و نگاه بدار این رقعه را همچنانکه حفظ
میکنی و عزیز میداری قماش عزیز خود را
پس وقتیکه ثلث آخر شب شود هر شب بیرون
آر این رقعه را و بنه در پیش خود و بگو
ایها الملک المنادی عن ارحم الراحمین و اکرم الاکرمین
هذه قصتی قد سلمتها الیک مالی لسان و لا جنان
یصلح لکلام اعرضه علیک تم

از کتاب دیوان حضرت امیر مومنان علیه
صلوات الله الملک المنان روایت
شعر شده این مناجات

یا من الیه انین العبد فی الندم
یا من الیه دواء الداء والسقم
نام العیون وعین العبد ساهرة
یبکی ببابک وسط اللیل فی الظلم
ارحم بفضلک لا تنظر الی عملی
ان الکریم کثیر الخیر من خدم
اذنبت کل ذنوب واعترفت بها
لکن عرفتک فی التوحید والکلم

لا تقطعن

لا تقطعن رجائی فیک سیدنا
یا غافر الذنب للراجین بالکرم

تمت

از حضرت سجاد نقل شده شعر

یا من یجیب دعا المضطر فی الظلم
یا کاشف الضر والبلوی مع السقم
قد نام وفدک حول البیت فانتبهوا
وانت یا حی یا قیوم لم تنم
ادعوک رب حزینا هائما قلقا
فارحم بکائی بحق البیت والحرم
ان کان جودک لا یرجوه ذو سفه
فمن یجود علی العاصین بالکرم

از کتاب دیوان
صلوات الله
شعر شده
یا من الیه انین
یا من الیه دواء
نام العیون و
یبکی ببابك و
ارحم بفضلك
ان الکریم کثیر
اذ نبت کل ذ
لکن عرفت فی

بدانکه در حدیث آورده اند که هرگاه از ظالمی
یا ساحری بترسی بعد از نماز شب و پیش از نماز
صبح رو بجانب آنکس بنما و هفتاد مرتبه
این آیه شریفه را بخوان سَنَشُدُّ عَضُدَكَ
بِاَخِيكَ وَنَجْعَلُ لَكُمَا سُلْطَانًا
فَلَا يَصِلُونَ اِلَيْكُمَا بِآيَاتِنَا اَنْتُمَا وَمَنِ
اتَّبَعَكُمَا الْغَالِبُونَ تمام شد
و مداومت بذکر شریف صلوات روزی
هزار مرتبه از جهت برداشتن حاجت مجرب
اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
التماس دعا دارم

سیّد نا
بالکرام
نقل شده
فی الظلم
السقیم
فانتبهوا
تنم
ما غلقا
و الحرم
سفر
جوه ذو
بالکرم

از کتاب د

صلوات ا

شعر

یا من الی

یا من ال

نام الع

یبکی ب

ارحم

ان ال

اذ ند

لکن

ی فیك سیدنا

جین بالكرم

سجاد نقل شده

لمضطر فی الظلم

بلوی مع السقیم

حول البیت فانتبهوا

قیوم لم تنم

ربنا هائما علقا

بحق البیت والحرم

ك لا یرجوه ذو سفه

العاصین بالكرمه

در شرح مفتاح الفلاح است که روایت کرده است از
ابن طاوس رحمه الله در کتاب مهج الدعوات که چون مامون
عباسی دختر خود را بزنی داد بامام محمد تقی ع
آنحضرت صلوات الله علیه نوشت باو که
بدرستیکه هر زنی را مهر هست از مال شوهر
خود و بتحقیق که گردانیده است خداوند تعالی
اموال ما را ذخیره کرده شده در آخرت چنانکه
اموال شما را تعجیل کرده است در دنیا و بتحقیق
من که مهر گردانیدم از برای دختر تو دعای وسائل بسوی
مسائل را و این چند مناجاتی چند است که داده
است بمن پدر من و داده است باو پدر او
و همچنین تا پیغمبر صلی الله علیه و آله که داد بآن
حضرت جبرئیل علیه السلام و فرمود که ای محمد ص
پروردگار عزت سلام میفرستد ترا و میفرماید

که اینها

که اینها کلیدهای گنجهای دنیا و آخرت است
پس بگردان اینها را وسیلهای خود بسوی
مطلبهای خود که میرسی بمقصد خود و
ظفر مییابی بمطلب خود و اختیار مکن اینها را
در حاجتهای دنیا پس کم شود بسبب اینها
بهره از آخرت و از جمله دعاهای وسائل
بسوی مسائل که روایت شده از حضرت جواد
علیه السلام این دعا است اَللّٰهُمَّ اِنَّ
الرَّجاءَ لِسَعَةِ رَحْمَتِكَ اَنْطَقَنى بِاسْتِقا
لَتِكَ وَالْاَمَلَ لِاَناتِكَ وَرِفْقِكَ شَجَّعَنى
عَلىٰ طَلَبِ اَمانِكَ وَعَفْوِكَ وَلى يا رَبِّ
ذُنُوبٌ قَدْ واجَهَتْها اَوْجُهُ الْاِنْتِقامِ
وَخَطايا قَدْ لاحَظَتْها اَعْيُنُ الْاِصْطِلامِ

واستوجبت بها على عدلك اليم
العذاب واستحققت بها على عدلك
اليم العقاب باجتراحها مبير العقاب
وخفت تعويقها لاجابتي وردها
اياي عن قضاء حاجتي بابطالها
لطلبتي وقطعها لاسباب رغبتي
من اجل ما انقض ظهري من ثقلها
وبهظني من الاستقلال بحملها
ثم تراجعت رب الى حلمك عن
الخاطئين وعفوك عن المذنبين
ورحمتك العاصين فاقبلت
بثقتي

بثقتي متوكلا عليك طارحا نفسي بين
يديك شاكيا بثي اليك سائلا ما لا
استوجبه من تفريج الهم ولا استحقه
من تنفيس الغم مستقيلا اياك واثقا
مولاي بك اللهم فامنن علي بالفرج
وتطول علي بسهولة المخرج وادللني
برأفتك على سمت المنهج وازلقني
بقدرتك عن الطريق الاعوج وخلصني
من سجن الكرب باقالتك واطلق
اسري برحمتك وطل علي برضوانك
وجد علي باحسانك واقلني عثرتي

وَفرّج كربتي وارحم عبرتي ولا تحجب
دعوتي واشدد بالاقالة ازري
وقوّ بها ظهري واصلح بها امري
واطل بها عمري وارحمني يوم حشري
ووقت نشري انّك جواد كريم
رءوف رحيم تمت در جمال الصالحين است
در كتاب اصول كافي مسطور است
كه مستحب است اين دعا را هميشه بخوانند
اللّهمّ يا ذا المجد الشامخ والسلطان الباذخ
بحق محمد وآل محمد صلّ على محمد وآل محمد وكن لوليك محمد بن
الحسن في هذه الساعة وفي كل ساعة وليًّا وحافظًا وقائدًا وناصرًا
ودليلًا وعونًا وعينًا حتى تسكنه ارضك طوعًا وتمتّعه
فيها طويلًا تمت

فائده

در نجم الثاقب از مرحوم سید علیخان شارح صحیفه سجادیه ... باسناد خود روایت کرده از حاجی علیای مکی که گفت من مبتلا شدم به تنگی و سختی و مناقضه با خصما تا آنکه بر جان خود ترسیدم از کشته شدن و هلاک گشت پس یافتم این دعای مسطور بعد را در جیب خود بدون آنکه کسی آنرا بمن بدهد پس تعجب کردم از این امر و متحیر بودم پس در خواب دیدم که گوینده که در زی صلحا و زهاد بود و میگوید بمن که ما عطا نمودیم دعای فلان را بتو پس بخوان آنرا که نجات خواهی یافت از تنگی و سختی و ظاهر نشد برای من گوینده کیست پس تعجبم زیاد شد پس دفعه دیگر حجت منتظر علیه السلام را دیدم و بمن فرمود بخوان آن دعائی را که داده بودم و بیاموز آنرا بهر کس که خواستی را و گفت بتحقیق تجربه کردم این دعا را چندین مرتبه پس دیدم فرج را بزودی و بعد از مدتی این دعا گم شد و چندی مفقود بود و من تاسف میخوردم بر فوت آن و استغفار میکردم از بدی عمل خود پس شخصی نزد من آمد و گفت که این دعا از تو مفقود

شد در فلان مکان (بیت) و در خاطرم نیامد که بآنمکان رفته
باشم پس دعا را کرفتم د سجدهٔ شکر برای خدا تعالی بجا آوردم

دعا مروی اند عاء ایست عن مولانا الحجة

بسم الله الرحمن الرحيم رب اني اسئلك
مددا روحانيا تقوى به قوى الكلية
والجزئية حتى اقهر بمبادي نفسي كل نفس
فتنقبض قاهرة فتنقبض لي اشارة دقائقها
انقباضا تسقط به قواها حتى لا يبقى
في الكون ذو روح الا ونار قهري قد
احرقت ظهوره يا شديد يا شديد يا شديد
يا قاهر يا ذا البطش الشديد يا قهار اسئلك بما
اودعته عزرائيل من اسمائك القهرية

فانفعلت

فانفعلت له النفوس بالقهران
تودع عني هذا السر في هذه
الساعة حتى الين به كل صعب
واذلل به كل منيع بقوتك
يا ذا القوة المتين ميخوانی
در سحر سه مرتبه اگر ممکن شود و در صبح
مرتبه و در شام سه مرتبه پس هر گاه بخت
شود کار برانکه این دعا را میخواند بگوید بعد
از خواندن ان سی دفعه یا رحمن یا رحیم
یا ارحم الراحمين اسئلك اللطف
بما جرت به المقادير تمت (کاتب)
انشاء ... صفر ١٢٠٤ روایت شده که این دعا را بسیار بخوانند
اللهم لا تجعلني من المعاندين ولا تخرجني من التقصير تمام شد

دعای گنج العرش بسیار معروف

در مقباس از مهج الدعوات بسند معتبر از حضرت
امیرالمؤمنین ع روایت کرده که حضرت رسالت ص
این دعا را تعلیم من نمود و امر کرد مرا که برای شدت
در خاطر این دعا را بخوانم و تعلیم نمایم بخلیفه بعد از
خود و ترک نکنم این دعا را تا حقتعالی را ملاقات
نمایم و فرمود که یا علی هر صبح و شام این دعا را
بخوان که گنجیست از گنجهای عرش الهی سیف ابی
ابن کعب التماس کرد که حضرت رسالت صلی الله
علیه وآله فضیلت این دعا را بیان فرماید حضرت
فرمود که گفتار علماء وفا بفضیلت این دعا نمیکند
ولکن من بعضی از ثواب انرا بیان میکنم در
هنگامیکه دعا خواننده مشغول این دعا است
براو

براو نیکی متصل است از فرق سر او تا آسمان و پیوسته
براو نازل میشود و حقتعالی سکینه براو میفرستد
و رحمت او را فرو میگیرد و این دعا منتهی نمیشود
بجائی بغیر از عرش پروردگار عالمیان و اثر او در
دور عرش صدائی باشد مانند صدای مگس عسل
در کندوه و حقتعالی نظر رحمت کند بسوی او و هر که
سه مرتبه این دعا را بخواند هر حاجت از حاجات دنیا
و آخرت که از حقتعالی طلب کند روا کرده و خداوند
او را از عذاب قبر نجات بخشد و تنگی سینه را از او
بردارد و چون روز قیامت شود او را از صحرای
محشر اورند و بناقه از در سفید سوار و نزد حقتعالی
بایستد و امر کند خداوند برای او بهر کرامتی و فرماید

که ای بندهٔ من در هر جای بهشت که خواهی ساکن شو
و در بهشت باد عطا فرماید کرامتی چند که چشمی ندیده باشد
و کوشی نشنیده باشد و در خاطر آفریدهٔ خطور نکرده
باشد و بر زبان وصف کنندهٔ جاری نشده باشد
سلمان رض گفت یا رسول الله ثواب این دعا را زیاده
بفرما فدای تو شوم حضرت فرمود که بحق خداوندیکه
مرا براستی فرستاده البته که اگر این دعا را بر دیوانه
بخوانند در ساعت بحال آید و اگر نزد زنی
بخوانند که وضع حمل بر او دشوار شده باشد
بر او آسان شود و بزودی فرزند متولد شود
ای سلمان بحق خداوندیکه مرا براستی بخلق فرستاده
هر بندهٔ که این دعا را در چهل شب جمعه بخواند خالص

برای

برای خدا هر گناهی که میان او و میان مردم و میان خدا
بوده باشد آمرزیده شود و هر که این دعا را باخلاص
بخواند دلش از غمهای دنیا خلاص شود و از مرضهای دنیا
شفا یابد ای سلمان هر که این دعا را بخواند و بخواب رود
و امید ثواب خداوند را داشته باشد حقتعالی بعدد
هر حرفی از این دعا هزار ملک از کروبیان برای او
بفرستد که روی ایشان نیکوتر از آفتاب و ماه
شب چهارده باشد سلمان گفت آیا خدا اینقدر
ثواب برای خوانندهٔ این دعا کرامت میفرماید
حضرت فرمود که ای سلمان خبر مده مردم را تا زیاده
بگویم ثواب این دعا را سلمان گفت چرا مرا امر
میفرمائی بکتمان ثواب این دعا فرمود که برای آنکه

مبتر سم کہ اعتماد کنند بر خواندن اینہ عادت
از عمل و عبادت بردارند پس فرمود کہ ہر کہ این
دعا را بخواند و در ہمہ عمر خود گناہان کبیرہ
کردہ باشد پس در آن شب یا در آن روز بمیرد گناہان
او آمرزیدہ شود ہر چند بی توبہ بمیرد بکرم و
عفو خداوند رحیم دعا این است
بسم اللہ الرحمن الرحیم
الحمد للہ الذی لا الہ الا ہو الحی القیوم
الدائم الملک الحق المبین المدبر بلا وزیر
ولا خلق من عبادہ یستشیر الاول
غیر موصوف والباقی بعد فناء الاشیاء
الخلق

الخلق العظیم الربوبیة نور السموات
والارضین وفاطرهما ومبدعهما
بغیر عمد خلقهما فاستقرت الارضون
باوتادها فوق الماء ثم علی ربنا
فی السموات العلی الرحمن علی العرش
استوی له ما فی السموات وما فی الارض
وما بینهما وما تحت الثری وفانا
اشهد بانک انت اللہ لا رافع لما
وضعت ولا واضع لما رفعت و
لا معز لمن اذللت ولا مذل
لمن اعززت ولا مانع لما اعطیت

ولا معطي لما منعت وانت الله
لا اله الا انت كنت اذ لم تكن سماء
مبنية ولا ارض مدحية ولا شمس
مضيئة ولا ليل مظلم ولا نهار مضيء
ولا ليل مظلم ولا نهار مضيء ولا
بحر لجي ولا جبل راس ولا نجم
سار ولا قمر منير ولا ريح تهب
ولا سحاب يسكب ولا برق يلمع
ولا رعد يسبح ولا ريح يتنفس
ولا طائر يطير ولا نار تتوقد و

٤٤ ولا ماء يطرد كنت قبل كل شيء و
كونت كل شيء وقدرت على كل
شيء وابتدعت كل شيء وافقرت
واغنيت وامت واحييت و
اضحكت وابكيت وعلى العرش
استويت فتباركت يا الله و
تعاليت انت الله الذي لا اله
الا انت الخلاق والعليم امرك غالب
وعلمك نافذ وكيدك غريب و
وعدك صادق وقولك حق و

يستنثير معرو كنح العرش

حكمك عدل وكلامك هدى ووحيك
نور ورحمتك واسعة وعفوك عظيم
وفضلك كثير وعطاؤك جزيل
وحبلك متين وامكانك عتيد
وجارك عزيز وباسك شديد و
مكرك مكيد انت يا رب موضع
كل شكوى وشاهد كل نجوى وحاضر
كل ملاء ومنتهى كل حاجة وفرج كل
حزين وغنى كل فقير مسكين وحصن
كل هارب وامان كل خائف حرز الضعفاء
وكنز الفقراء مفرج الغماء معين الصالحين

ذالك

ذالك الله ربنا لا اله الا هو تكفى من
عبادك من توكل عليك وانت
جار من لاذ بك وتضرع اليك
عصمة من اعتصم بك من عبادك
ناصر من انتصر بك تغفر الذنوب
لمن استغفرك جبار الجبابرة
عظيم العظماء كبير الكبراء سيد
السادات مولى الموالي صريخ المستصرخين
منفس عن المكروبين مجيب دعوة
المضطرين اسمع السامعين ابصر
الناظرين احكم الحاكمين اسرع

الحاسبين ارحم الراحمين خير الغافرين
قاضي حوائج المؤمنين مغيث الصالحين
انت الله لا اله الا انت رب العالمين
انت الخالق وانا المخلوق وانت المالك
وانا المملوك وانت الرب وانا العبد
وانت المرتب وانا العبد وانت
الرازق وانا المرزوق وانت المعطي
وانا السائل وانت الجواد وانا
البخيل وانت القوي وانا الضعيف
وانت العزيز وانا الذليل وانت
الغني

الغني وانا الفقير وانت السيد وانا
العبد وانت الغافر وانا المسيء وانت
العالم وانا الجاهل وانت الحليم وانا
العجول وانت الراحم وانا المرحوم وانت
المعافي وانا المبتلي وانت المجيب وانا المضطر
وانا اشهد بانك انت الله لا اله الا انت
المعطي عبادك بلا سؤال واشهد بانك
انت الله الواحد الفرد واليك المصير و
صلى الله على محمد واهل بيته الطاهرين و
اغفر لي ذنوبي واستر علي عيوبي وافتح
لي من لدنك رحمة ورزقا واسعا

يا ارحم الراحمين والحمد لله رب العالمين
وحسبنا الله ونعم الوكيل ولا حول
ولا قوة الا بالله العلي العظيم تمت

در مكارم الاخلاق از يحيى بن معاذ از حضرت ابي جعفر عليه السلام
روايت كرده كه آنحضرت بردى فرمودند خداوند تعالى را
باين دعا بخوان كه من ضامن ميشوم بر خداوند تعالى
حاجت تورا برآورد اللهم انت ولي
نعمتي وانت القادر على طلبتي وتعلم
حاجتي فاسئلك بحق محمد وآل محمد
لما قضيتها لي از حضرت صادق ع روايت كرده
كه دعاء نمودن در حق غير در غياب رزق را زياد
ميكرداند و مكروه را دفع مينمايد و بلا را دفع ميكند

روايت كرده آن شيخ صدوق ره در رساله
توحيد از عبد السلام بن صالح الهروى و او روايت كرده
است از حضرت امام همام علي بن موسى الرضا
عليهما الصلوة والسلام و آنحضرت روايت كرده است
از پدران بزرگواران خود عليهم السلام و ايشان روايت كرده
اند از حضرت امير المؤمنين و امام المتقين علي
بن ابي طالب عليه السلام كه گفت رسول خدا صلعم
فرمود كه حق سبحانه و تعالى را نود ونه نام است
هركه بخواند حقتعالى را باين نامها مستجاب گردانند
حقتعالى براى او و هركه احصا كند آن نامها را
داخل شود در بهشت و مراد از احصا چنانچه
صدوق ره فرموده و توفق يافتن بر معانى

اسماء الله و معنی احصاء اسماء نیست
شمردن این اسماء بکسب و تیز روایتکرده
از رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم که فرمود حق تعالی
را نود و نه نام است صد الا یکی
آنکسیکه احصا کند این اسماء را برود
به بهشت و آن اسماء اینست الله
الواحد الاحد الصمد الاول
الآخر السمیع البصیر القدیر القاهر
العلی الاعلی الباقی البدیع الباری
الاکرم الظاهر الباطن الحی الحکیم
العلیم

العلیم الحلیم الحفیظ الحق الحسیب
الحمید الحفی الرب الرحمن الرحیم
الذاری الرازق الرقیب الرائی
السلام المؤمن المهیمن العزیز
الجبار المتکبر السید السبوح
الشهید الصادق الصانع الطاهر
العدل العفو الغفور الغنی
الغیاث الفاطر الفرد الفتاح الفالق
القدیم الملک القدوس القوی
القریب القیوم القابض الباسط قاضی
الحاجات

المجيد الولي المنان المحيط المبين

المقيت المصور الكريم الكبير الكافي

كاشف الضر الوتر النور الوهاب

الناصر الواسع الودود الهادي

الوفي الوكيل الوارث البر

الباعث التواب الجليل الجواد

الخبير الخالق خير الناصرين الديان

الشكور العظيم اللطيف الشافي

[illegible] بنده [illegible] سعيد فتتيه نوشته ودر [illegible]

[illegible] بسم الله الرحمن الرحيم

[illegible] ولا قوة الا بالله العلي العظيم الله الملك الحق المبين

اللهم صل على محمد وآل محمد وفرج من العبد الذليل الى الرب الجليل كلاهم و غم

[illegible] رب قد مسني الضر وانت ارحم الراحمين تمام شد

وكان من دعائه في ذكر آل محمد صلى الله عليه واله ۴۳۶

اللهم يا من خص محمدا وآله

بالكرامة وحباهم بالرسالة و

خصصهم بالوسيلة وجعلهم

ورثة الانبياء وختم بهم الاوصيا

والائمة وعلمهم علم ما كان وما

بقي وجعل افئدة من الناس

تهوي اليهم صل على محمد واله

الطاهرين وافعل بنا ما انت

اهله في الدين والدنيا والاخرة

انك على كل شيء قدير

دعاء شريف صحيفه ۴۳۵ امام سجاد

زیارت حضرت امام زمان

بدانکه عمده ارکان ایمان معرفت حضرات ائمه انام
خاصه معرفت حضرت مستطاب امام زمان صلوات
الله و سلامه علیه و علی ابائه الکرام العظام است
در زیارت آنحضرت و یاد آن بزرگوار نمودن باعث
فیوضات کلیه الهیه است مرحوم مجلسی قدّه از مرحوم
سید بن طاوس رضوان الله علیه نقل فرموده
که مستحب است هر روز بعد از نماز صبح حضرت
با رفعت صاحب الامر و العصر و الزمان را
علیه الصلوة و السلام باین طریق زیارت
نماید اللهم بلّغ مولای صاحب
الزمان صلوات الله علیه عن جمیع
المؤمنین و المؤمنات فی مشارق

الارض

الارض و مغاربها سهلها و جبلها
و برّها و بحرها حیّهم و میّتهم
و عن والدیّ و ولدی و عنّی من
الصلوات و التحیات زنة عرش
الله و مداد کلماته و منتهی رضاه
و عدد ما احصاه کتابه و احاط
به علمه اللهم انی اجدّد له فی
هذا الیوم و فی کل یوم عهداً
و عقداً و بیعة له فی رقبتی
اللهم کما شرفتنی بهذا التشریف

وَنَوَّلْتَنِي بِهَذِهِ الْفَضِيلَةِ وَخَصَصْتَنِي
بِهَذِهِ النِّعْمَةِ فَصَلِّ عَلَى مَوْلَايَ
وَسَيِّدِي صَاحِبِ الزَّمَانِ وَاجْعَلْنِي
مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَشْيَاعِهِ وَالذَّابِّينَ
عَنْهُ وَاجْعَلْنِي مِنَ الْمُسْتَشْهَدِينَ
بَيْنَ يَدَيْهِ طَائِعًا غَيْرَ مُكْرَهٍ فِي
الصَّفِّ الَّذِي نَعَتَّ أَهْلَهُ
فِي كِتَابِكَ فَقُلْتَ صَفًّا كَأَنَّهُمْ
بُنْيَانٌ مَرْصُوصٌ عَلَى طَاعَتِكَ وَ
طَاعَةِ رَسُولِكَ وَآلِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ اللَّهُمَّ هَذِهِ
بَيْعَةٌ لَهُ فِي عُنُقِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ
تمت تمت

در دار السلام از کفعمی ره از حضرت پیغمبر ص روایت کرده
که آنحضرت بجناب امیر المؤمنین ع فرمود یا علی
چه کردی در شب گذشته عرض کرد پنج رکعت نماز
پیش از خواب شدن بجا آوردم حضرت رسالت ص
فرمود چگونه است این عمل عرض کرد یا رسول الله
شنیدم از حضرت که فرمودی کسیکه بگوید در
وقت خواب سه مرتبه یَفْعَلُ اللّٰهُ
مَا یَشَاءُ بِقُدْرَتِهِ وَیَحْکُمُ مَا یُرِیدُ
بِعِزَّتِهِ پس بتحقیق چنانست که از پنج رکعت
نماز خوانده پس پیغمبر ص فرمود راست گفتی
یا علی ٥/٥/٥
در کتاب کافی از امام کاظم ع روایت
فرموده که بسیار بگوئید عار بخوانند اللهم لا تجعلني
مِنَ الْمُعَارِينَ وَلَا تُخْرِجْنِي مِنَ التَّقْصِيرِ تمام شد

در تأسف بر غیبت حضرت امام زمان است

بسم الله الرحمن الرحیم

تا کی ای نور ظهور کن فکان | باشی اندر پرده غیبت نهان

تا بکی باشیم اندر انتظار | تا بکی نالیم در لیل و نهار

تا بکی ای صاحب مولای ما | ننگری بر چشم خونبار ما

بی جمالت چشم ما را نور نیست | صبر کردن بیش از این مقدور نیست

تا بکی سوزیم از داغ فراق | این فراق توست ما را الطاق

ما تو را اندر جهان گم کرده‌ایم | همچو اغنام شبان گم کرده‌ایم

تا بکی ای مهر تابان در جهان | پرتو پیدا و در سحاب نهان

گرچه عالم روشن از انوار تست | لیک صید حیف آنکه بی خسته تست

تا بکی با چهر شب اندر حجاب | تیغ برکش سر برآر ای آفتاب

تا بکی این اختلاف کفر و دین | گاه او گوید چنان این چنین

آشتی ده بین گرگ و میش را | آشنا کن منعم و درویش را

ای در این صحرا تو ما را رهنما | ای در این دریا تو ما را ناخدا

ای تو کشتی بان در این بحر ظلم | وارهان ما را از این گرداب غم

ای شبان گوسفندان عیب | گرگها باشد در این صحرا غیب

ای شبان مهربان رحمی نما | بخش از گرگان نجات ای مقتدا

تا نگوید آن عدوی بدسیر | آن امام غیب نبود ای بشر

یکنظر بر این دل دیوانه کن | روشن از نور رخت این خانه کن

تا بکی نالم من از هجران تو | جلوه‌ای تا جان کنم قربان تو

تا بکی سوزم من از هجران تو جلوه تا جان کنم قربان تو

تا بکی ای مظهر آیات ایمه سر برآور ای عزیز فاطمه

از دیوان مرحوم فیض ص ۱۴ چاپ بمبئی

ای دوای درد بی درمان ما وی شفای علت نقصان ما

هم تو ما را اولی هم آخری هم تویی پیدا و هم پنهان ما

آتشی از عشق خود بر ما زدی تا بسوزی هم دل و هم جان ما

آتشی خوشتر ز آب زندگی کان بود هم جان و هم ایمان ما

صد هزار احسنت ای آتش فروز خوش بسوزان بی منت جان ما

آتش است این عشق یا آب حیات یا بهشت و کوثر و رضوان ما

سوخت خارستان ما یکبارگی شد گلستان کلبه احزان ما

صد هزاران آفرین از جان و دل

باد هر دم فیض بر جانان ما

ایضا

ای ز تو خرم دل آباد ما وز تو غمگین خاطر ناشاد ما

ای ز تو آباد دلهای خراب وی ز تو ویران دل آباد ما

آنکه فریاد و فغان ما شنفت گوش مسکین ناله و فریاد ما

از تو مهجوریم در عشقت بده ای تو در هر غم استمداد ما

در بحر الانساب از کتاب جعفریات از حضرت امیرالمؤمنین ع
مرویست که جبرئیل آمد نزد حضرت رسول صلی الله علیه و
آله و شکایت کرد برای حاجتی پس حضرت فرمود آیا نیاموزم
ترا کلماتی که هدیه آورد آنها را جبرئیل برای من و آن نوزده
حرفست آنکه نوشته شده بر بال جبرئیل از آنها چهار
حرف و نوشته شده بر بال میکائیل چهار و نوشته شده
بر بال اسرافیل چهار و نوشته شده بر دور کرسی چهار
و نوشته بر حول عرش و دعا نکرده به آن کلمات مکروب
و نه درمانده و نه مهموم و نه مغموم و نه کسیکه میترسید
از سلطان یا شیطان مگر آنکه کفایت کند او را خدا
و آن کلمات اینست یا عماد من لا عماد له و یا
سند من لا سند له و یا ذخر من لا ذخر
له و یا حرز من لا حرز له و یا فخر من

دعاء فرج

لا ذخر له و یا رکن من لا رکن له یا عظیم
الرجاء یا عز الضعفاء یا منقذ الغرقی
یا منجی الهلکی یا محسن یا مجمل یا منعم
یا مفضل اسئل الله الذی لا اله الا
انت الذی سجد لک سواد اللیل
و ضوء النهار و شعاع الشمس و
نور القمر و دوی الماء و حفیف
الشجر یا الله یا رحمن یا ذا الجلال
و الاکرام و جناب امیر المؤمنین علیه السلام
مینامید این دعا را بدعای فرج و از کتاب
کلم الطیب نقل فرموده که این دعای فرج است
اللهم

اللهم یا ودود یا ودود یا ودود یا ذا العرش
المجید یا فعالا لما یرید اسئلک بنور
وجهک الذی ملاء ارکان عرشک و
بقدرتک التی قدرت بها علی جمیع
خلقک و برحمتک التی وسعت
کل شیء لا اله الا انت یا مبدئ یا معید
لا اله الا انت یا اله البشر یا عظیم
الخطر منک الطلب و الهرب و وقع
بالفرج یا مغیث اغثنی یا مغیث
اغثنی یا مغیث اغثنی در آثار دیلمی
د مجالس شهید ثالث ره باندک تفاوت همین دعا

در بعضی حواشی قرآن مجید و مجموعات دعوات
از حضرت امام سجاد علیه السلام نقل کرده اند
اذا کان اول الشهر یوم الاثنین فابدا بقرائة
سورة اذا وقعة الى یوم الرابع عشر کل یوم
على عدد الایام بحیث یقرء یوم الرابع عشر اربعة
عشر مرة وفی کل خمیس اقرء الدعاء مرة وهذا
العمل والختم لتوسعة الرزق وتسهیل الامور
المشکلة واداء الدیون مجرب بغیر مرات ولیکتم
من الجهال والسفهاء البتة ولا تبذل مهرها
والدعاء هذا یا واجد یا ماجد یا جواد یا حلیم یا حنان
یا منان یا کریم اسئلك تحفة من تحفاتك تلم بها
شعثی وتقضی بها دینی وتصلح بها شانی برحمتك
یا سیدی اللهم ان کان رزقی فی السماء فانزله وان کان
فی الارض فاخرجه وان کان بعیدا فقربه وان کان
قریبا فیسره وان کان قلیلا فکثره وان کان کثیرا
فبارك لی فیه وارسله على ایدی خیار خلقك و

ختم اذا واقعة

لا تحوجنی الى شرار خلقك وان لم یکن فکونه ٥٥
بکینونیتك ووحدانیتك اللهم انقله الى حیث
اکون ولا تنقلنی الى حیث یکون انك على کل شیء
قدیر یا رحیم یا غنی صل على محمد وآل محمد وتمم
علینا نعمتك وهنئنا وهنئنا کرامتك
والبسنا عافیتك تمت دعا حاجتی
ثواب بسیار بسیار نقل فرموده اند هر کس
بخواند مرحمت فرمایند مرسل الله دعا
بسم الله الرحمن الرحیم اللهم بارك علینا وادفع
عنا بلایا انا یا رؤف لبیك اشفع لبیك
وارحم لبیك وان الله یبعث من فی
القبور وصلى الله على خیر خلقه محمد و
آله اجمعین وسلم تسلیما کثیرا کثیرا دائما
ابدا یا ارحم الراحمین
تمت

در زاد المعاد مسطور است که از حضرت امام رضا ع
منقول است که هر که ترک کند سعی در حوائج خود را
در روز عاشوراء و هیچ کاری نکند
حق تعالی حوائج دنیا و آخرت او را برآورد و
هر که روز عاشورا روز مصیبت و اندوه و گریه
او باشد حق تعالی روز قیامت را روز فرح و
سرور و شادی او گرداند و دیده اش در بهشت
بما روشن گردد و هر که روز عاشوراء را روز
برکت نامد و از برای منزل خود در آن روز
چیزی ذخیره کند خداوند آن ذخیره را برا او
مبارک نگرداند و در روز قیامت با یزید
و عبید الله بن زیاد و عمر بن سعد علیهم ما علیهم
محشور گردد

محشور گردد پس باید که روز عاشوراء آدمی مشغول
کاری از کارهای دنیا نگردد و مشغول گریه و نوحه
و مصیبت باشد و امر کند اهل خانه خود را که
تعزیت آنحضرت را بدارند و مشغول ماتم باشند
چنانکه در ماتم عزیزترین اولاد و اقارب خود
میباشند و در آن روز امساک کند از خوردن
و آشامیدن بی آنکه قصد روزه کند و در آخر
روز بعد از عصر افطار کند اگر چه به شربت آب
باشد و روزه تمام ندارد مگر آنکه در خصوص آن روز
روزه واجب داشته باشد که بنذر یا مثل
آن واجب شده باشد که آن روز را باید بگیرد و
در آن روز آذوقه در خانه خود ذخیره نکنند و
نخندند و مشغول لهو و لعب نگردد و هزار

دهزار مرتبه بر قاتلان آنحضرت لعنت نماید و بگوید
اللهم العن قتلة الحسین ع و در روایتی از
حضرت امام جعفر صادق ع است که هر که در روز
عاشورا هزار مرتبه سورهٔ قل هو الله احد بخواند
خداوند تعالی نظر رحمت بسوی او کند و هرگز او را
عذاب نکند و در شب عاشوراء نیز باید
که احیا کند بگریه و اندوه و حزن برای تأسی
بحضرت امام حسین ع و اصحاب او که در آن شب در
صحرای کربلا در میان سی هزار نفر از کافران بیحیا
تا صباح احیا کردند و عبادت و تهیهٔ سعادت
شهادت میکردند و بسند معتبر از حضرت
صادق ع منقولست که هر که در شب روز عاشورا
نزد قبر شریف آنحضرت باشد و آنحضرت را زیارت
کند

کند در روز قیامت محشور گردد بخون خود
آلوده و بهیئت شهداء کربلا در میان ایشان
محشور گردد و هر که در شب و روز عاشوراء
زیارت بکند آنحضرت را چنان باشد که در پیش
روی آنحضرت شهید شده باشد و بسند
صحیح از آنحضرت منقولست که هر که زیارت
حضرت امام حسین صلوات الله علیه را در روز
عاشورا بکند بهشت او را واجب گردد و اما
زیارت مشهور عاشورا شیخ طوسی و ابن
قولویه و غیر ایشان رحمة الله علیهم روایت کرده
اند از صیف بن عمیره و غیرهم از حضرت امام
محمد باقر ع که فرمود هر که زیارت کند حضرت امام

حضرت امام حسین ع را در روز دهم محرم تا نزد
قبر آنحضرت گریان شود حقتعالی را ملاقات
کند در روز قیامت با ثواب دو هزار هزار حج
و دو هزار هزار عمره و دو هزار هزار جهاد که
هر یک را با رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمه
طاهرین علیهم السلام کرده باشد مالک جهنی
عرض کرد فدای تو شوم چه ثواب است برای
کسیکه در شهرهای دور باشد و ممکن نباشد
او را رفتن بسوی قبر آنحضرت فرمود که چون
روز عاشورا شود بیرون رود بسوی صحراء
یا بالا رود بر بام بلندتر خانه خود و اشاره
کند بسوی آنحضرت بسلام و جهد کند در نفرین
کردن

کردن بر قاتل آنحضرت و بعد از آن دو رکعت نماز
بکند و این اعمال را بجا آورد در اول روز قبل
از ظهر پس ندبه و نوحه و گریه کند بر حضرت حسین
و امر کند هر که را در خانه اوست که از او تقیه نکند
بگریه کردن بر آنحضرت و در خانه خود مصیبت
برپا دارد با اظهار جزع بر آنحضرت و ملاقات
کنند بعضی از ایشان بعضی را در خانهای خود و
بگریه کردن و تعزیه گویند بعضی از ایشان
بعضی را بمصیبت آنحضرت پس من ضامنم
بر خداوند عالم که هرگاه این کار را بکنند حقتعالی
جمیع آن ثوابها را بایشان عطا فرماید مالک
گفت تو ضامنی و کفیلی از برای ایشان